



Research Article

The Look East Policy in the Islamic Republic of Iran and India: A Study of Objectives, Contexts, and Formative Factors

Reza Rahmati¹, Hossein Emamverdi^{2*}, Abdolaziz Abdollahi³

1. Assistant Professor, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

2, 3. Ph.D. Student in International Relations, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

Article history:

Received: 09/08/2025

Accepted: 05/10/2025

Abstract

Introduction

In recent decades, geopolitical and structural transformations in the international system, particularly following the collapse of the Soviet Union and the end of the Cold War, have heightened the necessity for countries to redefine their foreign policies. The Islamic Republic of Iran and India, as two regional powers with distinct political, economic, and geographical characteristics, have faced domestic challenges and international pressures that have made the adoption of innovative foreign policy strategies imperative. Within this context, the “Look East” policy emerged as a key strategy to leverage economic and geopolitical opportunities in East and Southeast Asia, gaining significant importance in advancing national interests and enhancing the regional and global standing of these countries.

Please cite this article as:

Rahmati, R., Emamverdi, H., Abdollahi, A. (2025). The Look East Policy in the Islamic Republic of Iran and India: A Study of Objectives, Contexts, and Formative Factors. *Iranian Journal of Asian Studies*, 2(1) 31-74. <https://doi.org/10.22099/ijas.2025.53939.1045>.

* Corresponding author: E-mail address: h.emamverdi@ut.ac.ir

The main objectives of this study include analysing the factors influencing the formation and development of this policy, examining the operational mechanisms and approaches of Iran and India, and assessing its impact on the economic, political, and security positions of both countries. By focusing on similarities and differences, the present research provides an analytical framework for understanding the strategic rationale and effectiveness of the Look East policy, clarifying its role in addressing the challenges and opportunities of the twenty-first century.

Methods

This study is qualitative in nature and exploratory-analytical in its objective. Data were collected through library research and a systematic review of academic sources, official documents, research articles, and foreign policy reports. The theoretical framework of “new regionalism” was employed to analyse the economic, political, and security interactions of Iran and India with East and Southeast Asian powers across various domains.

Findings

The analysis of the Look East policy in the Islamic Republic of Iran and India indicates that this approach represents a deliberate response to domestic, regional, and international developments, pursuing economic, political, and security objectives simultaneously. In Iran, the policy primarily focuses on strategic cooperation with China and Russia, with key motivations including mitigating the impact of Western sanctions, leveraging the economic and technological capacities of East Asia, strengthening regional standing, and engaging with initiatives such as the Belt and Road Initiative and the 25-Year Comprehensive Cooperation Agreement with China. Iran also seeks balanced domestic development and the reduction of regional disparities through the development of transport and transit infrastructure, including via multilateral agreements such as the Ashgabat Agreement. In India, the Look East policy was formulated with the aim of economic integration with Southeast and East Asia, enhancing national security, and reducing dependence on Western energy sources. This policy was operationalised through the economic reforms of the 1990s, trade liberalisation, the attraction of foreign investment, the development of transit infrastructure, particularly in Northeast India, and projects such as the Chabahar Port and the India-Myanmar-Thailand Trilateral Highway. Alignment with ASEAN, the establishment of dialogue partnerships, investments in technology, tourism, and infrastructure, and membership in regional organisations such as BRICS and the Shanghai Cooperation Organisation reflect India’s efforts to strengthen its geopolitical and

economic position. The findings also reveal that both countries have been influenced by different domestic and regional factors. Iran faces economic constraints due to sanctions, a partial dependence on the West, and limited diversification of Asian partners, whereas India, confronted with internal complexities — including ethnic and security crises as well as economic challenges — pursues a broader, more diversified policy. In both cases, the utilisation of East Asia's economic growth, transit capacities, and regional and global opportunities has been a key driver in the formation and strengthening of this policy.

Conclusion

The study demonstrates that the Look East policy in the Islamic Republic of Iran and India is a strategic, purposeful, and multidimensional approach shaped by domestic, regional, and global developments. This policy serves not only as a tool for economic development, the enhancement of geopolitical standing, and the strengthening of national security, but also as a means of expanding opportunities for scientific, technological, and cultural cooperation in the region. The operational differences between Iran and India reflect their distinct domestic conditions, geopolitical positions, and economic capacities. Iran primarily focuses on limited strategic cooperation with China and Russia, whereas India pursues a broader, diversified, and project-oriented policy with East and Southeast Asian countries. To increase the effectiveness and sustainability of this policy, both countries must diversify their partnerships, align them with domestic objectives, and establish continuous monitoring and evaluation mechanisms to dynamically respond to regional and global changes.

Keywords: Look East Policy, Economic Development, Eastern Powers, Islamic Republic of Iran, India.

سیاست نگاه به شرق در جمهوری اسلامی ایران و هند: مطالعه اهداف، زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری

رضا رحمتی^۱، حسین امام وردی^{۲*}، عبدالعزیز عبدالمهی^۳

۱. استادیار روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
۲ و ۳. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸

اطلاعات مقاله

چکیده

مقدمه: در دهه‌های اخیر، تحولات ژئوپلیتیکی و ساختاری در نظام بین‌الملل، به‌ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، ضرورت بازتعریف سیاست‌های خارجی کشورها را افزایش داده است. جمهوری اسلامی ایران و هند، به‌عنوان دو قدرت منطقه‌ای با ویژگی‌های سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی متمایز، با چالش‌های داخلی و فشارهای بین‌المللی مواجه بوده‌اند که اتخاذ راهبردهای نوین در سیاست خارجی را ضروری ساخته است. در این چارچوب، سیاست «نگاه به شرق» به‌عنوان راهبردی کلیدی برای بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصادی و ژئوپلیتیکی شرق و جنوب شرق آسیا شکل گرفت و جایگاه مهمی در تحقق منافع ملی و ارتقاء موقعیت منطقه‌ای و جهانی این کشورها یافته است. اهداف اصلی این پژوهش شامل تحلیل عوامل مؤثر در شکل‌گیری و توسعه این سیاست، بررسی سازوکارها و رویکردهای عملیاتی ایران و هند و ارزیابی تأثیر آن بر جایگاه اقتصادی، سیاسی و امنیتی دو کشور است. پژوهش حاضر با تمرکز بر تشابهات و تفاوت‌ها، چارچوبی تحلیلی برای فهم منطق راهبردی و اثرگذاری سیاست نگاه به شرق ارائه می‌دهد و نقش آن را در مواجهه با چالش‌ها و فرصت‌های قرن بیست و یکم روشن می‌سازد.

استناد به این مقاله:

رحمتی، رضا؛ امام وردی، حسین و عبدالمهی، عبدالعزیز (۱۴۰۴). سیاست نگاه به شرق در جمهوری اسلامی ایران و هند: مطالعه اهداف، زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری. *مجله ایرانی مطالعات آسیا*، شماره ۲، (۱)، ۳۱-۷۴.

E-mail address: h.emamverdi@ut.ac.ir

* نویسنده مسئول:

روش: این پژوهش از نظر ماهیت کیفی و از نظر هدف اکتشافی - تحلیلی است. داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مرور نظام‌مند منابع علمی، اسناد رسمی، مقالات پژوهشی و گزارش‌های سیاست خارجی جمع‌آوری شد. چارچوب نظری «منطقه‌گرایی جدید» برای تحلیل تعاملات اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایران و هند با قدرت‌های شرق و جنوب شرق آسیا در زمینه‌های مختلف به کار گرفته شد.

یافته‌ها: تحلیل سیاست نگاه به شرق در جمهوری اسلامی ایران و هند نشان داد که این رویکرد، واکنشی هدفمند به تحولات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است و اهداف اقتصادی، سیاسی و امنیتی را هم‌زمان دنبال می‌کند. در ایران، این سیاست عمدتاً بر همکاری‌های راهبردی با چین و روسیه متمرکز است و مهم‌ترین انگیزه‌ها شامل کاهش اثر تحریم‌های غرب، بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی و فناوریانه شرق آسیا، تقویت جایگاه منطقه‌ای و پیوند با پروژه‌هایی مانند «کمربند و جاده» و توافق‌نامه جامع همکاری ۲۵ ساله با چین است. ایران همچنین با توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و ترانزیت، از جمله از طریق توافق‌نامه‌های چندجانبه مانند «آخال‌بات»، به دنبال توسعه متوازن داخلی و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای است. در هند، سیاست نگاه به شرق باهدف ادغام اقتصادی با آسیای جنوب شرقی و شرق آسیا، افزایش امنیت ملی و کاهش وابستگی به منابع غربی انرژی شکل گرفت. این سیاست با اصلاحات اقتصادی دهه ۱۹۹۰، آزادسازی تجارت، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه زیرساخت‌های ترانزیتی، به‌ویژه در شمال شرق هند و پروژه‌هایی مانند بندر چابهار و بزرگراه سه‌جانبه هند - میانمار - تایلند، عملیاتی شد. همگرایی با آسه‌آن، ایجاد مشارکت‌های گفت‌وگویی، سرمایه‌گذاری در فناوری، گردشگری و زیرساخت و عضویت در مجامع منطقه‌ای مانند بریکس و سازمان همکاری شانگهای، نشان‌دهنده تلاش هند برای تقویت جایگاه ژئوپلیتیکی و اقتصادی خود است. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که هر دو کشور تحت‌تأثیر عوامل داخلی و منطقه‌ای متفاوت بوده‌اند. ایران با محدودیت‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، وابستگی جزئی به غرب و ضعف در تنوع‌بخشی شرکای آسیایی مواجه است، درحالی‌که هند با پیچیدگی‌های داخلی شامل بحران‌های قومی، امنیتی و چالش‌های اقتصادی، سیاستی گسترده‌تر و متنوع‌تر را دنبال می‌کند. در هر دو کشور، بهره‌گیری از رشد اقتصادی شرق آسیا، ظرفیت‌های ترانزیتی و فرصت‌های منطقه‌ای و جهانی محرک اصلی شکل‌گیری و تقویت این سیاست بوده است.

نتیجه‌گیری: پژوهش نشان می‌دهد که سیاست نگاه به شرق در جمهوری اسلامی ایران و هند یک راهبرد راهبردی، هدفمند و چندبعدی است که در پاسخ به تحولات داخلی، منطقه‌ای و جهانی

شکل گرفته است. این سیاست نه تنها به عنوان ابزاری برای توسعه اقتصادی، ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیکی و تقویت امنیت ملی عمل می‌کند؛ بلکه فرصت‌های همکاری علمی، فناورانه و فرهنگی را نیز در منطقه گسترش می‌دهد. تفاوت‌های اجرایی میان ایران و هند بازتاب‌دهنده شرایط داخلی، موقعیت ژئوپلیتیک و ظرفیت‌های اقتصادی متفاوت است؛ ایران عمدتاً بر همکاری‌های محدود و راهبردی با چین و روسیه تمرکز دارد، درحالی‌که هند سیاستی گسترده، متنوع و پروژه‌محور با کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا دنبال می‌کند. برای افزایش اثرگذاری و پایداری این سیاست، ضروری است هر دو کشور روابط خود را متنوع سازند، با اهداف داخلی همسو کنند و سازوکارهای پایش و ارزیابی مستمر ایجاد کنند تا بتوانند به صورت پویا به تغییرات منطقه‌ای و جهانی پاسخ دهند.

واژگان کلیدی: سیاست نگاه به شرق، توسعه اقتصادی، قدرت‌های شرقی، جمهوری اسلامی ایران، هند.

سرآغاز

یکی از مسائل کلیدی در تحلیل سیاست‌های بین‌المللی، بررسی راهبردهایی است که کشورها در جهت تثبیت موقعیت ژئوپلیتیکی و بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصادی در مناطق در حال رشد اتخاذ می‌کنند. این راهبردها معمولاً شامل تنوع‌بخشی به شرکای بین‌المللی، کاهش وابستگی به محورهای سنتی قدرت و تقویت همکاری چندجانبه با کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای است. تحولات شتابان و چندلایه نظام بین‌الملل، ناشی از جابجایی قدرت‌های اقتصادی، ظهور بازیگران منطقه‌ای و تغییر موازنه‌های ژئوپلیتیکی، محیطی پیچیده و پویا ایجاد کرده است. در چنین شرایطی، دولت‌ها علاوه بر تضمین امنیت ملی، ملزم به بازتعریف جایگاه خود در ساختارهای جهانی و اتخاذ راهبردهایی هستند که امکان بهره‌برداری از فرصت‌های نوظهور و کاهش آسیب‌پذیری در برابر فشارهای بین‌المللی را فراهم کند. تحلیل این راهبردها نه تنها تصویری روشن از چگونگی تعامل قدرت و اقتصاد ارائه می‌دهد، بلکه نشان می‌دهد چگونه عوامل ساختاری، محیطی و داخلی با یکدیگر تلفیق شده و تصمیم‌گیری‌های کلان سیاست خارجی را شکل می‌دهند. این نگاه تحلیلی امکان شناسایی الگوهای رفتاری کشورها و تفاوت‌های راهبردی آنان را فراهم می‌کند و پایه‌ای برای مطالعه تطبیقی سیاست‌های کلان در سطح منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای فراهم می‌آورد.

در چنین محیط پیچیده‌ای، سیاست «نگاه به شرق» در جمهوری اسلامی ایران و هند می‌تواند به عنوان یک راهبرد تطبیقی و چندلایه در نظر گرفته شود. این سیاست فراتر از اقدامات اقتصادی یا دیپلماتیک است و بازتابی از تلاش کشورها برای کاهش آسیب‌پذیری در برابر فشارهای خارجی و بهره‌برداری از فرصت‌های نوظهور در آسیا و اوراسیا محسوب می‌شود (صادقی و لطفی، ۱۳۹۴: ۹۰). از منظر تحلیلی، سیاست نگاه به شرق نشان می‌دهد که چگونه دولت‌ها با تلفیق عوامل ساختاری، محیطی و داخلی

جهت‌گیری‌های کلان خود را تعریف کرده و تلاش می‌کنند جایگاه ژئوپلیتیک و نفوذ اقتصادی خود را در نظم جهانی باز تثبیت کنند.

سیاست «نگاه به شرق» در هند را می‌توان به‌عنوان تلاشی برای انطباق با تغییرات ژئوپلیتیکی و فرصت‌های نوظهور در نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد تفسیر کرد. تحولات جهانی، ازجمله جابجایی محورهای قدرت و افزایش نقش بازیگران منطقه‌ای، هند را به بازاندیشی در جهت‌گیری‌های راهبردی خود واداشت. اگرچه شکل رسمی این سیاست از سال ۱۹۹۱ آغاز شد، اما می‌توان آن را ادامه منطقی تلاش‌های بلندمدت هند برای تقویت جایگاه خود در نظم منطقه‌ای و جهانی دانست (Mehrotra, 2012: 77). از منظر راهبردی، سیاست نگاه به شرق نه صرفاً واکنشی گذرا به تغییرات بین‌المللی، بلکه فرآیندی مستمر و کلان است که هدف آن تثبیت موقعیت هند در عرصه اقتصادی و سیاسی آسیا و کاهش آسیب‌پذیری در برابر تحولات جهانی است. این راهبرد نشان می‌دهد که چگونه عوامل محیطی، ساختاری و سیاست‌های داخلی با هم تلفیق می‌شوند تا جهت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی شکل گیرد و نقش هند در موازنه قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی بازتعریف شود.

از سوی دیگر، سیاست «نگاه به شرق» در جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به‌عنوان یک راهبرد ژئوپلیتیکی و تطبیقی در پاسخ به تحولات ساختاری نظام بین‌الملل در نظر گرفت. این راهبرد با هدف تقویت جایگاه ایران در عرصه منطقه‌ای و جهانی، کاهش آسیب‌پذیری در برابر فشارهای خارجی و بهره‌برداری از فرصت‌های نوظهور در آسیا طراحی شده است. از منظر تحلیلی، سیاست نگاه به شرق نمایانگر ترکیب عوامل محیطی، ساختاری و داخلی در جهت‌گیری‌های کلان سیاست خارجی کشور است و نشان می‌دهد چگونه دولت تلاش می‌کند موقعیت ژئوپلیتیک و نفوذ اقتصادی خود را بازتعریف کند. این راهبرد نه تنها به ملاحظات اقتصادی و امنیتی توجه دارد، بلکه در سطح راهبردی و دیپلماتیک نیز برای ایجاد توازن میان قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی طراحی شده است. همچنین، این سیاست نشان‌دهنده تلاش ایران برای بهره‌گیری از فرصت‌های همگرایی

منطقه‌ای و همکاری چندجانبه است و منعکس‌کننده توجه به تغییرات نوظهور در نظم جهانی و اهمیت ارتقای روابط با بازیگران کلیدی آسیایی است.

با وجود تأکید رهبران آسیایی بر ضرورت همگرایی منطقه‌ای در دوران پسا استعماری، شرایط ژئوپلیتیکی و تضاد منافع میان کشورها مانع از تحقق همکاری گسترده شد. تغییرات ساختاری نظام بین‌الملل، رشد اقتصادی چشمگیر آسیا و تحولات داخلی و منطقه‌ای در ایران و هند، ضرورت بازنگری در جهت‌گیری سیاست خارجی و اتخاذ راهبردهای نوین را برجسته ساخت. در این چارچوب، سیاست «نگاه به شرق» به‌عنوان راهبردی تطبیقی و استراتژیک در دو کشور شکل گرفت؛ راهبردی که هرچند اهداف مشابهی دارد، اما با توجه به زمینه‌ها و ملاحظات داخلی و خارجی، ویژگی‌های منحصربه‌فردی در هر کشور پیدا کرده است. این مقاله می‌کوشد با تحلیل تطبیقی و بررسی عوامل ساختاری، محیطی و راهبردی، زمینه‌ها و تفاوت‌های شکل‌گیری سیاست نگاه به شرق در ایران و هند را شناسایی کند. سؤال اصلی پژوهش این است که چه عوامل و ملاحظات بر شکل‌گیری این سیاست در دو کشور تأثیرگذار بوده است؟ برای پاسخ به این پرسش، مقاله با بهره‌گیری از اسناد رسمی و منابع کتابخانه‌ای، تلاش می‌کند الگوها و سازوکارهای سیاست مذکور را بررسی و تحلیل کند.

۱. پیشینه پژوهش

سیاست نگاه به شرق یکی از رویکردهای مهم و تأثیرگذار در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است که توجه پژوهشگران متعددی را به خود جلب کرده است. مطالعات انجام‌شده تلاش کرده‌اند این سیاست را از زوایای مختلف تحلیل کنند و ابعاد اقتصادی، سیاسی و راهبردی آن را روشن سازند. در این راستا، پژوهش‌های برجسته و مرتبط با موضوع این مقاله مرور می‌شوند.

محسن پاک آیین (۱۴۰۳)، در مقاله «نگاه به شرق از تبیین تا راهبرد (با تأکید بر اندیشه امامین انقلاب اسلامی)» نشان می‌دهد که کشورهای شرقی از نظر سیاسی و

اقتصادی همواره برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت ویژه‌ای داشته‌اند. راهبرد «نگاه به شرق» توسط نخبگان سیاست خارجی ایران برای موازنه سازی با غرب، فروش سوخت‌های فسیلی و واردات کالا و فناوری اجرا شده است. در دوره‌های مختلف، تمرکز تعامل با شرق بیشتر بر فروش نفت و واردات کالا، به‌ویژه در شرایط تحریمی بوده است. از نظر امامین انقلاب، «شرق» به کشورهایی اطلاق می‌شود که دارای استقلال بیشتری نسبت به غرب هستند و تعامل با آن‌ها باید به شکل راهبردی و استراتژیک دنبال شود.

حمید یحیوی همدانی و علی مرادی (۱۴۰۳)، در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل لایه‌ای علل رویکرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» بیان می‌کنند که این رویکرد از زمان دولت نهم جایگاه برجسته‌ای یافته و در دولت سیزدهم نیز مورد تأکید است. باین‌حال، کشورهای شرقی ظرفیت کامل برای حمایت از منافع ایران در برابر فشارهای چندجانبه غرب را ندارند یا منافع ایران را با منافع خود سازگار نمی‌دانند. علل تداوم این رویکرد در چهار لایه قابل شناسایی است: رفتار و عملکردهای مشهود کشورهای شرق، ساختارها و شرایط داخلی و بین‌المللی، نگرش‌ها و دیدگاه‌های راهبردی سیاست‌گذاران و گفتمان و روایت‌های غالب در سیاست خارجی ایران.

عسگر صفری آقبلاغی (۱۴۰۳)، در پژوهش «دیگری سازی در سیاست «نگاه به شرق» جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه» نشان می‌دهد که ایران و روسیه از فرآیند دیگری سازی برای متمایز کردن خود از غرب استفاده می‌کنند. آن‌ها با تأکید بر جغرافیا، فرهنگ، تمدن و ایدئولوژی، هویت راهبردی خود را تقویت می‌کنند. محور مشترک سیاست نگاه به شرق دو کشور، مقابله با غرب و حمایت از نظم چندقطبی پاد هژمون است. ویژگی‌های مشترک شامل هم‌پوشانی جغرافیایی، تأکید بر سنت‌گرایی و ارزش‌های سنتی و مقابله با نفوذ غرب است.

حمید احمدی‌نژاد و همکاران (۱۴۰۳)، در مقاله «نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران و عربستان؛ از استراتژی اضطرار تا تاکتیک توازن» اشاره می‌کنند که گرایش ایران به شرق، به‌ویژه چین، ناشی از انگاره «دوستی شرق و دشمنی غرب» است و یک استراتژی ضروری برای مقابله با فشارهای هژمونیک غرب به شمار می‌رود. در مقابل، عربستان سعودی گرایش به شرق را به‌عنوان تاکتیکی برای جلب توجه غرب و افزایش خودیاری دنبال کرده است. پیامد کوتاه‌مدت این گرایش‌ها کاهش تنش و نزدیکی روابط ایران و عربستان بوده است.

با توجه به مطالعات موجود که سیاست نگاه به شرق را از جنبه‌های مختلف و در تعامل با کشورهای دیگر بررسی کرده‌اند، این پژوهش با تمرکز بر مقایسه سیاست نگاه به شرق ایران و هند و همچنین تحلیل اهداف و زمینه‌های شکل‌گیری آن، شکاف موجود در مطالعات پیشین را پر می‌کند. پژوهش‌های قبلی عمدتاً به ایران یا سایر کشورهای شرق و جنبه‌های کلی نگاه به شرق پرداخته‌اند، درحالی‌که تحلیل تطبیقی با هند کمتر مورد توجه قرار گرفته است. مقاله حاضر با تلفیق رویکردهای راهبردی، هویتی و منطقه‌ای، تلاش می‌کند تا ویژگی‌ها، اهداف و زمینه‌های شکل‌گیری سیاست نگاه به شرق در ایران و هند را به‌صورت دقیق و تحلیلی شناسایی کند و ابعاد کمتر مطالعه شده این سیاست را روشن سازد.

۲. چارچوب نظری: منطقه‌گرایی جدید

برای تحلیل پدیده «منطقه‌گرایی جدید»^۱، باید آن را به‌مثابه تحولی کیفی و متمایز نسبت به تجربه‌های پیشین در نظر گرفت؛ پدیده‌ای که از اواسط دهه ۱۹۸۰ شکل گرفت و هنوز در فرآیند تکوین قرار دارد. این در حالی است که منطقه‌گرایی کلاسیک یا «منطقه‌گرایی

قدیم^۱ به دهه ۱۹۵۰ بازمی‌گردد و در دهه ۱۹۷۰ با افول مواجه شد. اگرچه بازگشت به منطقه‌گرایی ممکن است نوعی تکرار تاریخی به نظر برسد، اما درواقع، هم بسترهای ساختاری و هم محتوای آن در دوره جدید دگرگون شده است (کولایی، سازمند و رضایی، ۱۴۰۲: ۷۶-۷۷). منطقه‌گرایی قدیم در چارچوب نظام دوقطبی دوران جنگ سرد معنا می‌یافت، اما موج جدید منطقه‌گرایی، بازتابی از تحولات نظم جهانی پسا جنگ سرد، جهانی‌شدن اقتصاد و تغییر نقش دولت‌ها در نظام بین‌الملل است. به عبارت دیگر، منطقه‌گرایی جدید بازتاب مجموعه‌ای از تحولات ساختاری، نظام‌مند و درهم‌تنیده در نظام بین‌الملل است. این دگرگونی‌ها نه تنها بستر پیدایش منطقه‌گرایی نوین را فراهم کرده‌اند، بلکه آن را از منطقه‌گرایی سنتی به‌طور بنیادین متمایز ساخته‌اند. مهم‌ترین این تحولات عبارت‌اند از (Hettne & Soderbaum, 1998: 2):

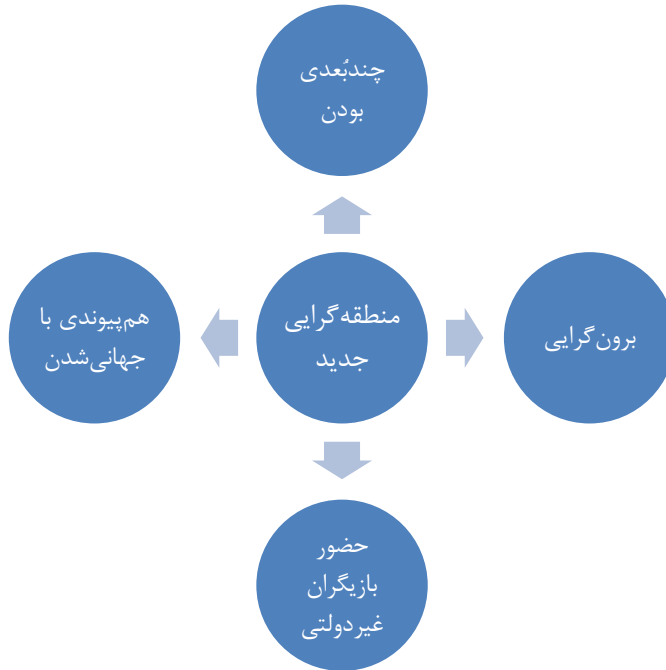
- گذار از ساختار دوقطبی نظام بین‌الملل و الگوهای سنتی اتحاد، به‌سوی ساختاری چندقطبی با الگوی نوین توزیع قدرت جهانی؛
- تضعیف نسبی هژمونی ایالات متحده و در پی آن، رویکردی پذیراتر نسبت به منطقه‌گرایی، به‌ویژه در قالب «منطقه‌گرایی باز»^۲؛
- باز ساخت اقتصاد سیاسی جهانی حول سه بلوک عمده: اتحادیه اروپا، منطقه تجارت آزاد آمریکای شمالی و منطقه آسیا - پاسیفیک که هر یک بر پایه نوعی متمایز از سرمایه‌داری سازمان یافته‌اند؛
- فرسایش مفهوم سنتی دولت - ملت و ستفالیایی در پرتو افزایش وابستگی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و رشد تعاملات میان دولت‌ها و کنشگران غیردولتی؛
- جهانی‌شدن در ابعاد مالی، تجاری، تولیدی و فناورانه که به شکل‌گیری الگوی جدیدی از تقسیم کار بین‌المللی منجر شده است؛

- افزایش نگرانی‌ها نسبت به پایداری رژیم تجارت چندجانبه، در کنار رشد اهمیت موانع غیر تعرفه‌ای در روابط تجاری؛
 - افول گفتمان «جهان سوم گرایی»^۱ و تغییر نگرش کشورهای در حال توسعه نسبت به الگوهای توسعه اقتصادی نئولیبرال و نظام‌های سیاسی متناظر با آن.
- روند بازتعریف منطقه‌گرایی که در دهه‌های اخیر در سطح جهانی به جریان افتاده، نه تنها در سطح مفهومی بلکه در محتوای اجرایی نیز دچار دگرگونی‌های اساسی شده است. منطقه‌گرایی جدید، برخلاف گذشته، به یک پدیده جهانی و فراگیر بدل شده که در مناطق متعددی از جهان در حال تکوین است و صرفاً محدود به مناطق خاص یا اهداف معین نیست. اگرچه منطقه‌گرایی سنتی عمدتاً به سازوکارهایی همچون ترتیبات تجارت آزاد و اتحادهای امنیتی معطوف بود، منطقه‌گرایی جدید با گسترش دامنه، تنوع و اهداف، ویژگی‌های پیچیده‌تری یافته است. منطقه‌گرایی جدید را می‌توان یک فرآیند چندبُعدی، چندلایه و کل‌نگر دانست که به دنبال ارتقاء سطح همگرایی در ابعاد مختلف فرهنگی، امنیتی، اقتصادی و سیاسی در درون یک منطقه جغرافیایی معین است. در این چارچوب، منطقه از وضعیتی نسبتاً ناهمگون به سوی نوعی همگرایی نسبی در حرکت است (Hettne, Inotai & Sunkel, 1998: 12). درک منطقه‌گرایی جدید مستلزم تحلیل آن در سه سطح متفاوت اما مرتبط است: سطح نظام جهانی، سطح روابط بین‌الملل و ساختار درونی منطقه که شامل دولت - ملت‌ها، گروه‌های قومی فرو ملی و دیگر کنشگران غیردولتی می‌شود. هیچ‌یک از این سطوح به تنهایی غالب نیستند، زیرا فرآیندهای منطقه‌ای تحت تأثیر دینامیک متقابل این سطوح قرار دارند و وزن و اهمیت آن‌ها بسته به بستر زمانی و مکانی تغییر می‌کند. یکی از تفاوت‌های بنیادین میان منطقه‌گرایی قدیم و جدید در نگرش به مرزهای عضویت و دامنه تعاملات است. منطقه‌گرایی قدیم عمدتاً درون‌گرا و محدود به اعضای خاص بود، در حالی که

منطقه‌گرایی جدید رویکردی برون‌گرا دارد که نشان‌دهنده افزایش وابستگی متقابل در اقتصاد سیاسی جهانی معاصر است (کولایی، سازمند و رضایی، ۱۴۰۲: ۷۷).

منطقه‌گرایی جدید نه تنها در تعامل با تحولات ساختاری نظام بین‌الملل معنا می‌یابد، بلکه پیوندی تنگاتنگ با دینامیک‌های داخلی، از جمله ملی‌گرایی دارد. برخلاف تصور رایج که منطقه‌گرایی را جایگزینی برای منافع ملی تلقی می‌کند، این رویکرد اغلب در راستای تقویت حاکمیت دولت و نقش آن در نظم بین‌المللی وابسته، متقابل عمل می‌کند. در واقع، منطقه‌گرایی جدید را می‌توان نوعی «ملی‌گرایی نهادینه‌شده در سطح منطقه‌ای»^۱ در نظر گرفت که به دولت‌ها امکان می‌دهد ضمن همکاری، همچنان بر حفظ قدرت، هویت و منافع ملی خود تأکید ورزند (O'Reilly, 2023). نمودار زیر، ابعاد اصلی منطقه‌گرایی جدید را به نمایش می‌گذارد.

به همین دلیل، مطالعه تطبیقی سیاست نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران و هند در چارچوب نظری منطقه‌گرایی جدید، مستلزم بررسی دقیق عوامل مؤثر بر این سیاست و تبیین رویکردهای دو کشور در تعاملات منطقه‌ای است. منطقه‌گرایی جدید، برخلاف رویکردهای سنتی، فراتر از ابعاد اقتصادی بوده و بر جنبه‌های سیاسی، امنیتی و فرهنگی نیز تأکید دارد. این رویکرد مبتنی بر وابستگی متقابل و ضرورت همکاری در مواجهه با چالش‌های جهانی است. جهان چندقطبی و ظهور قدرت‌های نوظهور، زمینه را برای شکل‌گیری بلوک‌ها و اتحادهای منطقه‌ای فراهم کرده است. در این شرایط، نگاه به شرق به عنوان راهبردی کلیدی، نقش حیاتی در ارتقاء منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و هند ایفا می‌کند. عوامل محدودکننده، چالش‌ها و فرصت‌های موجود در هر دو کشور، باید با در نظر گرفتن پیچیدگی‌های منطقه‌ای و جهانی و با تأکید بر اصول و اهداف منطقه‌گرایی جدید، مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرند.



شکل ۱. ابعاد اصلی منطقه‌گرایی جدید
(منبع: نگارندگان)

۳. سیاست نگاه به شرق در جمهوری اسلامی ایران و هند

در سال‌های اخیر گرایش فزاینده جمهوری اسلامی ایران به سمت قدرت‌های شرقی نظیر چین و روسیه بوده است. این سیاست که با عنوان «نگاه به شرق»^۱ شناخته می‌شود، علاوه بر واکنش به تحریم‌ها و فشارهای غرب، ریشه در «رویکرد ضد امپریالیستی»^۲ ایران دارد. در دوره پس از انقلاب اسلامی، ایران موضع «نه شرقی، نه غربی» را اتخاذ کرد که به معنای فاصله‌گیری از هژمونی دو قدرت بزرگ شرق و غرب بود. در این چارچوب، سیاستی ضد امپریالیستی در قبال ایالات متحده و اسرائیل و

1. Look to the East

2. Anti-Imperialist Approach

همچنین مخالفت بانفوذ اتحاد جماهیر شوروی و گسترش ایدئولوژی کمونیستی در افغانستان دنبال شد. با این وجود، روابط ایران و روسیه پس از فروپاشی شوروی، به‌ویژه با همکاری مسکو در پروژه نیروگاه هسته‌ای بوشهر، به تدریج توسعه یافت. نقطه عطف سیاست «نگاه به شرق» به دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد بازمی‌گردد، زمانی که این دکترین رسماً توسط علی لاریجانی، دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی و مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای ایران، اعلام شد (رومی، ۱۴۰۲: ۱۴۵).

این دکترین با هدف تقویت همکاری‌های نظامی، فناوریانه و اقتصادی با چین و روسیه تدوین شد. اگرچه توافق هسته‌ای برجام در دولت حسن روحانی نشان‌دهنده گرایش نسبی به غرب بود، اما این تغییر جهت، به طور کامل از رویکرد «نگاه به شرق» فاصله نگرفت. خروج یک‌جانبه ایالات متحده از برجام و اعمال سیاست فشار حداکثری موجب شد که سیاست «نگاه به شرق» بیش از پیش تقویت شود (Perry World House, 2023). دوره ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی نیز اهمیت این سیاست را تأیید و با اقدامات عملی ملموس‌تر کرد. این گرایش با توسعه روابط دوجانبه با روسیه و به‌ویژه چین بارزتر شده است. امضای «توافقنامه مشارکت استراتژیک ۲۵ ساله»^۱ با چین در سال ۱۳۹۹ که شامل همکاری‌های اقتصادی، نظامی و فناوریانه بود و وعده سرمایه‌گذاری ۴۰۰ میلیارد دلاری چین در اقتصاد ایران را در برداشت (Reuters, 2025)، از مهم‌ترین نمونه‌های این همکاری است. علاوه بر این، الحاق ایران به سازمان همکاری شانگهای به‌عنوان عضو رسمی در سال ۱۴۰۱، پس از سال‌ها عضویت ناظر، گامی مؤثر در رسمی‌سازی این سیاست محسوب می‌شود.

از سوی دیگر، تطور سیاست «نگاه به شرق» هند را باید در چارچوب تحولات نظام بین‌الملل، به‌ویژه پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در اوایل دهه ۱۹۹۰ تحلیل کرد. اگرچه این سیاست به شکل رسمی از سال ۱۹۹۱ آغاز شد،

ریشه‌های آن به تلاش‌های هند برای توسعه همکاری‌های منطقه‌ای حتی پیش از استقلال کشور بازمی‌گردد. از دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰، هند به دنبال ایجاد پیوندهای همکاری با کشورهای آسیایی و دیگر کشورهای در حال توسعه بود. جواهر لعل نهرو، نخست‌وزیر وقت هند، اهمیت ژئوپلیتیکی منطقه جنوب شرقی آسیا را در شکل‌دهی به سیاست خارجی هند درک کرد و نخستین گام‌های هند برای حمایت از جنبش‌های ضد استعماری در این منطقه برداشته شد (Naidu, 2010: 286).

پیش از استقلال رسمی هند، کنفرانس روابط آسیایی در سال ۱۹۴۷ در دهلی‌نو برگزار شد که نمایندگانی از ۲۵ کشور آسیایی و آفریقایی در آن شرکت داشتند. حمایت هند از مبارزات استقلال‌اندوزی در سال ۱۹۴۹ و مشارکت فعال در کنفرانس باندونگ در سال ۱۹۵۵، گام‌های مهمی در جهت تقویت همکاری‌های منطقه‌ای به شمار می‌روند. با این وجود، علیرغم تلاش‌های هند، روند منطقه‌گرایی با چالش‌های ساختاری متعددی مواجه بود. اختلافات بین دولتی، بی‌اعتمادی متقابل و رقابت برای رهبری منطقه، به‌ویژه میان هند و چین، موانع اصلی موفقیت این همکاری‌ها بودند (Jyoti, 2024). علاوه بر این، تهاجم نظامی چین به هند در سال ۱۹۶۲ و نیاز به تقویت ظرفیت‌های دفاعی، موجب تعویق در پیشبرد برنامه‌های همبستگی پان آسیایی شد. با این حال، پایان جنگ سرد و تحولات ژئوپلیتیکی و اقتصادی، سیاست هند در قبال منطقه را به طور بنیادین متحول ساخت. رشد اقتصادی چشمگیر کشورهای «ببر آسیا»^۱ و همچنین تغییرات داخلی هند، زمینه‌ساز گرایش دهلی‌نو به سوی تقویت روابط اقتصادی با کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا شد. اگرچه برخی تحلیلگران پایان جنگ سرد را به زیان هند ارزیابی کردند (Munro, 1993: 62)، اما گشایش اقتصادی هند و بهره‌گیری از فرصت‌های نوظهور در نظام بین‌المللی پس از جنگ سرد، این کشور را قادر ساخت تا نقش مؤثرتری در ساختار منطقه‌ای ایفا کند.

۱. شامل کشورهای سنگاپور، هنگ‌کنگ، کره جنوبی و تایوان

۴. اهداف سیاست نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران و هند

با رسیدن جمهوری اسلامی ایران و جمهوری هند به مرحله‌ای از بلوغ در سیاست خارجی، راهبرد «نگاه به شرق» وارد فاز جدیدی شده است. این سیاست که در ابتدا با هدف بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی شرق و جنوب شرق آسیا شکل گرفت، اکنون به ابزاری راهبردی در جهت تحقق منافع ملی و ارتقاء جایگاه منطقه‌ای و جهانی این کشورها تبدیل شده است. هرچند بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصادی آسیای شرقی همچنان اهمیت دارد، اما در سایه تحولات ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک قرن ۲۱، اولویت‌های جدیدی نیز بر این سیاست افزوده شده‌اند. اهداف اصلی سیاست «نگاه به شرق» در جمهوری اسلامی ایران و هند را می‌توان در محورهای زیر خلاصه کرد:

پیوند و یکپارچگی در سطح منطقه: محیط منطقه‌ای ایران به طور قابل توجهی در شکل‌گیری سیاست «نگاه به شرق» جمهوری اسلامی ایران نقش داشته است. یکی از عوامل کلیدی در این روند، انزوای هویتی ایران در خاورمیانه است؛ مفهومی که سریع‌القولم در تحلیل‌های خود به آن اشاره کرده است. به گفته وی، ایران به دلیل ویژگی‌های ایدئولوژیک و ماهیت متمایز نظام سیاسی‌اش، در فضای فرهنگی و سیاسی منطقه با نوعی ناهماهنگی هویتی مواجه است که آن را از سایر کشورهای همسایه متمایز می‌سازد (سریع‌القولم، ۱۳۸۴: ۳۱۸). این وضعیت منجر به روابط پیچیده و بعضاً پرتنش با کشورهای پیرامونی شده است. در نتیجه، ایران به‌منظور برون‌رفت از این انزوا و بازیابی قدرت مانور در عرصه سیاست خارجی، نگاه خود را به سمت شرق معطوف کرده است. همکاری با قدرت‌های شرقی مانند چین و روسیه به‌عنوان فرصتی راهبردی برای کاهش فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی، نظامی و فناورانه این کشورها در دستور کار قرار گرفته است.

از سوی دیگر، یکی از اصلی‌ترین اهداف سیاست «نگاه به شرق» هند، تلاش برای ادغام اقتصادی با شرق و جنوب شرق آسیا بوده است. با پایان جنگ سرد و آغاز دهه

۱۹۹۰، هند متوجه شد که کشورهای همسایه شرقی‌اش با سرعت چشم‌گیری در حال رشد اقتصادی هستند، درحالی‌که خود از این روند عقب مانده است. این امر موجب شد تا نخبگان سیاسی و اقتصادی هند به این درک برسند که الگوی توسعه شرق آسیا بر پایه اقتصاد بازار باز و تجارت محور، می‌تواند الگویی کارآمد برای اصلاحات اقتصادی هند باشد (Naidu, 2010: 287). در نتیجه، دهلی‌نو تصمیم گرفت روابط اقتصادی و سیاسی خود را با کشورهای شرق آسیا گسترش دهد تا از فرصت‌های نوظهور در منطقه بهره‌برداری کند. این سیاست همچنین پاسخی به روند تشکیل بلوک‌های اقتصادی منطقه‌ای مانند نفتا، اتحادیه اروپا و مرکوسور بود که نشان می‌داد در نظم جدید جهانی، کشورهای منزوی از فرآیند منطقه‌گرایی در معرض انزوا و عقب‌ماندگی قرار خواهند گرفت. هم‌پیوندی هند با شرق آسیا نه تنها روشی برای توسعه اقتصادی داخلی بود، بلکه ابزاری برای ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیکی آن در نظام چندقطبی قرن بیست و یک به شمار می‌رفت. در این راستا، مانموهان سینگ نخست‌وزیر وقت هند تصریح کرد: «این قرن، قرن آسیاست. هند همراه با چین قرار است یکی از اقتصادهای مهم این قرن باشد. این بخشی از سیاست ما به سوی شرق است» (Singh, 2004). هند در تلاش برای ایجاد همکاری منطقه‌ای از طریق سیاست «نگاه به شرق»، رویکرد سه‌گانه‌ای را اتخاذ کرده است. این رویکرد شامل: (Naidu, 1996: 83).

- تجدید روابط سیاسی با کشورهای عضو آسه آن؛
- افزایش تعاملات اقتصادی با جنوب شرق آسیا (تجارت، سرمایه‌گذاری‌ها، علم و فناوری و گردشگری)؛ و
- ایجاد پیوندهای دفاعی با چند کشور این منطقه به‌عنوان ابزاری برای تقویت درک سیاسی.

اصلاحات ساختاری و تقویت سرمایه‌گذاری: ادغام روزافزون شرق آسیا در اقتصاد جهانی، این منطقه را به یکی از پویاترین و مؤثرترین قطب‌های تجاری و مالی جهان تبدیل کرده است. طی دهه‌های اخیر، کشورهای شرق آسیا با توسعه زیرساخت‌های

اقتصادی، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و گسترش روابط تجاری، توانسته‌اند سهم قابل‌توجهی از صادرات جهانی را به خود اختصاص دهند و جایگاهی راهبردی در زنجیره تأمین بین‌المللی پیدا کنند. این روند نه تنها موجب ارتقای شاخص‌های رشد اقتصادی در این کشورها شده، بلکه الگوی موفق از هم‌گرایی اقتصادی منطقه‌ای را نیز ارائه داده است (Hatch, 2003: 31). در چنین فضایی، سیاست «نگاه به شرق» جمهوری اسلامی ایران، در پی بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی و نهادی این منطقه برای تقویت ثبات داخلی و افزایش نقش‌آفرینی در نظم اقتصادی نوظهور جهانی است (Saraswat, 2018). با بهره‌گیری از این سیاست، ایران می‌تواند در دو حوزه اصلی تجارت و سرمایه‌گذاری، به‌ویژه از طریق ایجاد پیوند با اقتصادهای پویای شرق آسیا، منافع قابل‌توجهی را دنبال کند. دستیابی به این اهداف، مستلزم انجام اصلاحات ساختاری در حوزه سیاست‌های اقتصادی، بهبود فضای کسب‌وکار و تقویت زیرساخت‌های تجاری است.

سیاست نگاه به شرق هند نیز به دنبال اصلاحات بیشتری است تا تجارت و سرمایه‌گذاری را آزادتر کند و در نتیجه پیوندهای اقتصادی عمیق‌تری با کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا برقرار کند. هند به دنبال کاهش موانع تجاری و آزادسازی رژیم سرمایه‌گذاری است. در طی «نشست بالی»^۱ در سال ۲۰۰۳، هند «توافقنامه چارچوبی»^۲ را برای ایجاد منطقه تجارت آزاد و سرمایه‌گذاری با آسه آن تا سال ۲۰۱۶ امضا کرد (Saran, 2005). از سال ۲۰۰۳، هند و کشورهای عضو آسه آن به‌صورت فردی توافق کردند و مذاکراتی را درباره توافقنامه‌های تجارت آزاد پس از امضای توافقنامه چارچوب بر روی همکاری اقتصادی جامع آغاز کردند. هند و آسه آن توافق کردند که یک توافقنامه تجارت آزاد برای پنج کشور اول آسه آن تا سال ۲۰۱۱ و برای تمامی کشورهای عضو آسه آن تا سال ۲۰۱۶ اجرا کنند (Srinivasan, 2008: 445).

1. the Bali Summit

2. framework agreement

توافقنامه چارچوب یک برنامه برداشت سریع از دستاوردهای فوری و ترجیحات تجاری یک‌جانبه هند به نفع کم توسعه‌یافته‌ترین اعضای گروه‌بندی را اعلام کرد. تا به امروز، هند یک توافقنامه همکاری اقتصادی جامع با سنگاپور در سال ۲۰۰۵ به پایان رسانده است. همچنین، هند وارد چندین توافق با تایلند و سنگاپور شده است. توافقنامه تجارت آزاد هند - آسه آن در اوت ۲۰۰۹ با ۱۰ عضو آسه آن امضا شد.

شتاب در رشد اقتصادی: گسترش و شکل‌گیری روابط ایران با شرق آسیا، در درجه اول ریشه در عوامل اقتصادی دارد. این امر به دو دلیل قابل توضیح است: اول، وجه غالب و رو به رشد شرق آسیا، وجه اقتصادی آن است. دوم، اقتصاد ایران، چه از لحاظ ظرفیت‌ها و منابع و چه از نظر بازارهای مصرف، به جهان صنعتی وابسته است که شرق آسیا نیز بخشی از آن به شمار می‌رود. استفاده از ظرفیت سازمان‌ها و نهادهای فعال در آسیای شرقی، مانند آسه آن و بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا، فرصت‌های بی‌ظنیری را برای تحول و پیشرفت اقتصاد ایران در عرصه جهانی فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، ایران با دارا بودن منابع استراتژیک و نیروی انسانی کارآمد، پتانسیل ایجاد موقعیت‌های اقتصادی قابل‌توجهی را دارد. تداوم و بهره‌برداری مؤثر از فرصت‌های موجود، می‌تواند منجر به جذب منابع عظیم اقتصادی برای کشور شود (یوسفی، ۱۳۸۴: ۹۷). سیاست نگاه به شرق هند نیز در پی آزادسازی اقتصادی به چیزی فراتر از یک افق سیاست خارجی تبدیل شد؛ زیرا به عنوان یک جایگزین توسعه‌ای نیز عمل کرد که در پی جهانی‌سازی و احیای آسیا به عنوان یک قدرت اقتصادی بود. به نقل از نخست‌وزیر مانموهان سینگ: «این سیاست همچنین تغییری استراتژیک در دیدگاه هند نسبت به جهان و جایگاه هند در اقتصاد جهانی در حال تحول است» (Singh, 2004). تنها با شکل‌گیری سیاست نگاه به شرق در سال ۱۹۹۱ بود که هند شروع به توجه جدی به منطقه شرق و جنوب شرقی آسیا در برنامه‌ریزی‌های سیاست خارجی خود کرد. از این رو، بهره‌برداری از رشد شرق آسیا یکی از دلایل مهم تعامل هند با اقتصادهای این منطقه بود. زمانی که اقتصاد هند از اواخر دهه ۱۹۹۰ با سرعت بالایی

شروع به رشد کرد، تمرکز خود را بر رشد سریع و پایدار قرار داد. ارتباطات اقتصادی قوی با شرق آسیا موقعیت هند را برای دستیابی به فرصت‌های رشد در آسیا تقویت می‌کند. هند همچنین سرمایه‌گذاری‌های شرق آسیا در بخش‌هایی مانند حمل‌ونقل، ارتباطات و انرژی را تشویق می‌کند تا با اقتصاد در حال گسترش خود همگام شود.

زمینه‌سازی برای توسعه: سیاست «نگاه به شرق» در جمهوری اسلامی ایران علاوه بر اهداف کلان اقتصادی و سیاسی، نقش مهمی در کاهش نابرابری‌های توسعه داخلی ایفا می‌کند. ایران با موقعیت جغرافیایی استراتژیک خود به‌عنوان پل ارتباطی بین شرق و غرب، می‌تواند از ظرفیت‌های ترانزیتی و کریدورهای اقتصادی منطقه‌ای بهره‌مند شود. توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل جاده‌ای، ریلی و دریایی، ضمن تسهیل در جابجایی کالا، موجب افزایش درآمدهای حمل‌ونقلی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق کمتر برخوردار می‌شود. این روند باعث ایجاد فرصت‌های شغلی و ارتقاء معیشت مردم در این مناطق می‌شود و نقش مؤثری در کاهش شکاف‌های منطقه‌ای دارد. توافق‌نامه‌های چندجانبه مانند «توافق‌نامه آخال‌بات»^۱ که مسیرهای ترانزیتی ایران را به آسیای مرکزی و خلیج فارس متصل می‌کند، نمونه‌ای از تلاش‌های ایران برای تقویت زیرساخت‌های ترانزیتی و اقتصادی است که در نهایت به رشد اقتصادی پایدار و توسعه متوازن داخلی کمک می‌کند (Kalej, 2023: 16).

ایالت‌های شمال شرقی هند نیز به‌رغم برخورداری از پیشینه فرهنگی غنی، از لحاظ توسعه اقتصادی عقب‌افتاده‌اند و این شکاف از زمان استقلال هند بیشتر شده است. در نتیجه، احساس نادیده گرفته شدن، باعث به وجود آمدن ناآرامی‌های اجتماعی و هویت محور در این منطقه شده است. سیاست «نگاه به شرق» این منطقه را نه به‌مثابه یک بن‌بست، بلکه به‌عنوان درگاهی راهبردی به سوی آسیای جنوب شرقی مدنظر قرار داده است (Drishti IAS, 2025). بر این مبنا، هند در چارچوب این سیاست تلاش کرده

است تا با توسعه شبکه‌ای از زیرساخت‌های حمل‌ونقل شامل خطوط لوله، جاده، راه‌آهن و ارتباطات هوایی، شمال شرقی را به بازارها و نهادهای اقتصادی جنوب شرقی آسیا متصل کند.

سیاست «نگاه به شرق» در چهار محور اصلی شامل پیوند منطقه‌ای، اصلاحات اقتصادی، رشد پایدار و توسعه داخلی قابل تحلیل است که در جدول بعد به صورت تطبیقی بررسی شده‌اند.

۵. عوامل مؤثر در شکل‌گیری سیاست نگاه به شرق در جمهوری اسلامی ایران و هند

سیاست خارجی کشورها همواره در تعامل پیچیده با محیط داخلی و خارجی شکل می‌گیرد و پاسخ به تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای است (Breuning, 2007: 5). فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد (۱۹۸۹-۱۹۹۱) نظام جهانی را متحول کرد و نیازمند بازتعریف سیاست‌های خارجی، از جمله در ایران و هند شد. در ایران، سیاست نگاه به شرق واکنشی استراتژیک به این تحولات برای حفظ امنیت و توسعه اقتصادی در شرایط جدید بین‌المللی بود. هند نیز با بحران‌های داخلی متعددی در دهه ۱۹۹۰ روبرو بود؛ از جمله افزایش تروریسم و شورش‌های منطقه‌ای که ثبات سیاسی و اقتصادی کشور را تهدید می‌کرد. این ناپایداری داخلی در کنار چالش‌های منطقه‌ای، به‌ویژه در جامو و کشمیر، امنیت ملی هند را به شدت تحت فشار قرار داد.

جدول ۱. اهداف سیاست «نگاه به شرق» جمهوری اسلامی ایران و هند

اهداف اصلی	جمهوری اسلامی ایران	هند
پیوند و یکپارچگی در سطح منطقه	خروج از انزوای هویتی در خاورمیانه و جستجوی هم‌پیمانان جدید در شرق آسیا و اوراسیا	تجدید روابط سیاسی با کشورهای آسه آن و نقش‌آفرینی در ترتیبات منطقه‌ای شرق و جنوب شرق آسیا

اهداف اصلی	جمهوری اسلامی ایران	هند
اصلاحات ساختاری و تقویت سرمایه‌گذاری	تقویت روابط اقتصادی با شرق برای جذب سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری، امضای توافق‌نامه به‌ویژه از چین و نهادهایی مانند AIIB	آزادسازی تجارت و تجارت آزاد با آسه آن، سنگاپور، تایلند و...
شتاب در رشد اقتصادی	استفاده از ظرفیت اقتصادهای در حال رشد آسیایی برای توسعه صادرات و کاهش وابستگی به غرب	بهره‌گیری از مدل توسعه شرق آسیا و ورود به زنجیره تأمین جهانی برای افزایش تولید و صادرات
زمینه‌سازی برای توسعه داخلی	توسعه مناطق کم‌برخوردار از طریق تقویت کریدورهای ترانزیتی (مانند شمال - جنوب و شرق - غرب)	استفاده از سیاست نگاه به شرق برای توسعه ایالت‌های محروم شمال شرقی و اتصال آن‌ها به جنوب شرق آسیا

(منبع: نگارندگان)

گروه‌های شبه‌نظامی در این منطقه با بهره‌گیری از حمایت لجستیکی و مالی پاکستان و ترویج ایدئولوژی مذهبی رادیکال، به تهدیدی جدی تبدیل شدند (Ganguly, 2014: 22). در این چارچوب، تحلیل عوامل مؤثر در شکل‌گیری سیاست نگاه به شرق در جمهوری اسلامی ایران و هند، اهمیت ویژه‌ای دارد تا درک دقیق‌تری از چرایی و چگونگی اتخاذ این رویکرد راهبردی فراهم شود.

الف. جمهوری اسلامی ایران

اتخاذ سیاست نگاه به شرق در جمهوری اسلامی ایران، واکنشی راهبردی به مجموعه‌ای از عوامل داخلی و بین‌المللی بوده است که در دهه‌های اخیر به تدریج تقویت شده‌اند. از یک‌سو، توسعه روابط اقتصادی با چین و گسترش همکاری‌های دفاعی با روسیه، نشان از چرخش عملی در سیاست خارجی ایران دارد. از سوی دیگر، ناامیدی فزاینده

از رویکردهای غرب محور، در کنار الزام‌های ناشی از سند چشم‌انداز توسعه کشور، نیاز به تنوع‌بخشی در شرکای راهبردی را تقویت کرده است. افزون بر این، الگوگیری از تجارب موفق توسعه اقتصادی در شرق آسیا، زمینه ذهنی و عملی لازم برای تقویت این سیاست را فراهم آورده است. بررسی این عوامل، درک عمیق‌تری از منطق و جهت‌گیری سیاست نگاه به شرق در ایران ارائه می‌دهد.

روابط اقتصادی ایران و چین: سیاست نگاه به شرق در ایران، بیش از هر چیز واکنشی به دو روند موازی و تقویت شونده است: نخست، تداوم و تشدید تحریم‌های اقتصادی و سیاسی غرب که دسترسی ایران به منابع، بازارها و فناوری‌های حیاتی را محدود ساخته؛ و دوم، ظهور قدرت‌های نوظهور آسیایی، به‌ویژه چین، به‌عنوان بازیگران اصلی اقتصاد جهانی. در چنین شرایطی، شرق نه تنها به مثابه یک «جایگزین» بلکه به‌عنوان آینده اقتصاد جهانی در نگاه سیاست‌گذاران ایرانی برجسته شده است؛ آینده‌ای که حتی نخبگان غربی نیز به حرکت ثروت و قدرت به سوی آن اذعان دارند (شریعتی نیا و توحیدی، ۱۳۹۳: ۱۴۱).

موقعیت ژئواستراتژیک ایران در خاورمیانه، این کشور را به یک قطب بالقوه در طرح ابتکار «کمربند و جاده»^۱ تبدیل کرده است؛ پروژه‌ای که چین از آن برای بازتعریف نظم اقتصادی اوراسیایی بهره می‌برد. بر همین اساس، امضای «توافق‌نامه جامع همکاری ۲۵ ساله» با چین در سال ۱۳۹۹ را می‌توان گامی مهم در نهاده‌سازی سیاست نگاه به شرق ارزیابی کرد؛ توافقی که ابعاد گسترده‌ای از جمله انرژی، زیرساخت، ارتباطات و امور مالی را پوشش می‌دهد و می‌تواند جایگاه منطقه‌ای ایران را تقویت کند. با این حال، ظرفیت این همکاری‌ها تحت تأثیر ملاحظات دوطرفه محدود مانده است. از یک سو، ایران تمایلی به جایگزینی وابستگی غربی با وابستگی شرقی ندارد و بر حفظ استقلال راهبردی خود تأکید دارد. از سوی دیگر، چین در همکاری با ایران محافظه‌کارانه عمل

می‌کند و تمایلی به تنش‌زایی با آمریکا و متحدان منطقه‌ای‌اش ندارد. این کشور ضمن گسترش روابط با ایران، به‌طور هم‌زمان با رقبای منطقه‌ای تهران، از جمله کشورهای عربی و اسرائیل، نیز روابط راهبردی برقرار کرده است. این موازنه‌گرایی نشانه‌ای از رویکرد عمل‌گرایانه و منفعت‌محور چین در سیاست خارجی است که محدودیت‌هایی برای شکل‌گیری یک اتحاد تمام‌عیار با ایران ایجاد کرده است.

گسترش روابط دفاعی ایران و روسیه: روابط ایران و روسیه که در دوران اتحاد جماهیر شوروی با بی‌اعتمادی همراه بود، پس از پایان جنگ سرد در سال ۱۹۹۱ وارد مرحله‌ای جدید شد. اشتراک منافع دو کشور در حوزه‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی، به‌ویژه در سوریه، قفقاز، آسیای مرکزی و افغانستان، زمینه‌ساز همکاری‌های راهبردی شد. هر دو کشور در چارچوب مقابله با تروریسم و تقابل با نظم آمریکا محور منطقه‌ای، به‌ویژه در سوریه، نوعی هم‌سویی مصلحت‌محور را تجربه کرده‌اند. در سال‌های اخیر، این روابط تحت تأثیر عوامل داخلی و بین‌المللی تقویت شده است. با روی کار آمدن دولت سیزدهم و شکست تلاش‌ها برای احیای برجام، تهران با پذیرش واقع‌گرایی ژئوپلیتیکی، نگاه به شرق را به‌عنوان یک راهبرد جایگزین تقویت کرد. در این چارچوب، توسعه همکاری‌های اقتصادی با روسیه و پیوستن به سازوکارهایی چون اتحادیه اقتصادی اوراسیا به یک اولویت تبدیل شد. از سوی دیگر، رقابت راهبردی روسیه و آمریکا، به‌ویژه در جنگ اوکراین، فضای بین‌المللی جدیدی ایجاد کرده که همگرایی تهران و مسکو را تشدید کرده است. هر دو کشور تحت فشار تحریم‌های غرب قرار دارند و این اشتراک وضعیت، بستری برای همکاری‌های بیشتر، به‌ویژه در حوزه نظامی، فراهم کرده است. این نزدیکی، اگرچه نشانه‌ای از اتحاد راهبردی نیست، اما به‌عنوان بخشی از سیاست نگاه به شرق ایران، نقشی تعیین‌کننده دارد.

الزامات مرتبط با سند چشم‌انداز: «سند چشم‌انداز بیست‌ساله» جمهوری اسلامی ایران، دستیابی به جایگاه نخست اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه آسیای جنوب غربی تا

سال ۱۴۰۴ را هدف‌گذاری کرده است. تحقق این هدف مستلزم تجهیز منابع داخلی و همچنین بهره‌گیری هوشمندانه از ظرفیت‌های بین‌المللی، به‌ویژه از طریق تعامل سازنده و مؤثر با بازیگران اصلی نظام بین‌الملل است (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۲). در این چارچوب، سیاست نگاه به شرق به‌عنوان راهبردی مکمل در خدمت اهداف توسعه محور ایران عمل می‌کند. هم‌سویی با قدرت‌های نوظهور آسیایی که امروزه به قطب‌های تولید ثروت و فناوری تبدیل شده‌اند، می‌تواند بستر مناسبی برای جذب سرمایه، انتقال فناوری و ارتقاء جایگاه منطقه‌ای کشور فراهم آورد. تأکید بر همکاری با شرق، نه صرفاً از منظر ژئوپلیتیکی، بلکه در پیوند با ضرورت‌های توسعه‌ای مندرج در سند چشم‌انداز، معنا و ضرورت می‌یابد. تجربه کشورهای درحال توسعه نشان داده است که هیچ‌یک بدون دسترسی به منابع بین‌المللی - اعم از سرمایه، فناوری و بازار - نتوانسته‌اند به اهداف «توسعه پایدار»^۱ دست یابند. در همین راستا، تعامل هدفمند با قدرت‌های شرقی، به‌ویژه چین، هند و کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، نه تنها گزینه‌ای راهبردی، بلکه ضرورتی برای تحقق اهداف چشم‌انداز ایران است (شریعتی نیا و توحیدی، ۱۳۹۳: ۱۴۲).

ناامیدی از رویکردهای غربی: درک ناکارآمدی رویکردهای غربی در تأمین منافع استراتژیک جمهوری اسلامی ایران، یکی از عوامل کلیدی در جهت‌گیری به سوی سیاست نگاه به شرق بوده است. با پذیرش ایالات متحده، اروپا و شرق آسیا به‌عنوان مراکز اصلی قدرت و ثروت جهانی، باید توجه داشت که پیوند مؤثر با دو قطب اول، یعنی آمریکا و اروپا، همواره با موانع ساختاری و سیاسی جدی مواجه بوده است. در دو دهه گذشته، تمرکز سیاست خارجی ایران عمدتاً بر اروپا معطوف شده بود، زیرا ارتباط با آمریکا به‌طور رسمی قطع و نقش آسیا هنوز به سطح یک قطب اقتصادی تعیین‌کننده نرسیده بود. با این حال، تجربیات حاصل از گفتگوهای انتقادی و مذاکرات

هسته‌ای نشان داد که مشارکت فعال با اروپا مستلزم اعطای امتیازات سیاسی قابل توجه و اغلب یک‌سویه است؛ امری که نه تنها سودآور نبود بلکه امنیت استراتژیک کشور را نیز به مخاطره انداخت. بحران هسته‌ای به وضوح نشان داد که اروپا فاقد اراده و توانایی اتخاذ سیاستی مستقل از ایالات متحده است، زیرا پیوندهای عمیق سیاسی، امنیتی و اقتصادی دو سوی آتلانتیک، استقلال عمل اروپا را در قبال ایران عملاً محدود کرده است. در نتیجه، سرخوردگی راهبردی از عملکرد غرب به‌ویژه در بزنگاه‌های حساس، تصمیم سازان ایرانی را به بازاندیشی در مسیرهای سنتی تعامل بین‌المللی واداشت و موجب تقویت گرایش به شرق شد؛ منطقه‌ای که در حال تثبیت موقعیت خود به‌عنوان یک بازیگر مستقل و در حال رشد در نظم جهانی جدید است.

الگو گیری از راهبردهای توسعه اقتصادی در کشورهای شرقی: یکی از چالش‌های بنیادین جمهوری اسلامی ایران در مسیر توسعه، فقدان یک الگوی منسجم و پایدار اقتصادی است که مورد اجماع نخبگان سیاسی و مدیریتی کشور باشد. در طول دهه‌های گذشته، هر بار با تغییر دولت‌ها، رویکردها و سیاست‌های اقتصادی نیز دستخوش تحول شده و همین بی‌ثباتی سیاستی، مانع از تحقق اهداف بلندمدت اقتصادی و توسعه‌ای شده است. این ناپایداری، نه تنها موجب ائتلاف منابع و فرار سرمایه‌ها شده، بلکه کارایی سیاست‌گذاری اقتصادی را نیز به شدت کاهش داده است. در این میان، توجه به تجربیات موفق توسعه در کشورهای شرقی، به‌ویژه در شرق و جنوب شرقی آسیا، برای ایران اهمیت فزاینده‌ای یافته است. مدل «توسعه مبتنی بر صادرات»^۱ که در کشورهایی مانند مالزی، کره جنوبی و چین به اجرا درآمده، نشان از کارایی بالای آن برای جوامع در حال توسعه دارد. این مدل، برخلاف الگوهای متمرکز دولتی، بر تقویت مزیت‌های رقابتی، پیوند با بازارهای جهانی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی استوار است و دستاوردهای آن در رشد پایدار، صنعتی سازی و کاهش فقر، در

مقایسه با مدل‌های جایگزین، چشمگیر بوده است. در چارچوب سیاست «نگاه به شرق»، بهره‌گیری از این تجارب به‌ویژه در تعامل با کشورهایی مانند مالزی که با ایران اشتراکات فرهنگی و مذهبی نیز دارند، می‌تواند به بازطراحی الگوی توسعه کشور کمک کند. به‌کارگیری چنین الگویی، نه‌تنها به تحقق اهداف سند چشم‌انداز کمک خواهد کرد، بلکه امکان بازسازی ساختار اقتصادی وابسته به انرژی را نیز فراهم می‌آورد (آدمی، ۱۳۸۹: ۱۰۹).

ب- هند

سیاست «نگاه به شرق» هند در آغاز دهه ۱۹۹۰ در بستر مجموعه‌ای از تحولات داخلی و بین‌المللی شکل گرفت. از یک‌سو، این کشور با چالش‌های جدی داخلی و منطقه‌ای مواجه بود؛ از جمله بحران‌های امنیتی ناشی از شورش‌ها در جامو و کشمیر و شمال شرق و نیز رکود و بحران مالی سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۱ که ضرورت اصلاحات ساختاری اقتصادی را برجسته ساخت. از سوی دیگر، تغییرات ژئوپلیتیکی مهمی در محیط بین‌المللی رخ داد؛ فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، اختلال در نظام نفتی خلیج فارس و تحولات ساختاری در شرق آسیا و انجمن کشورهای جنوب شرق آسیا (آسه آن)، هند را به سمت بازتعریف جایگاه خود در نظام بین‌الملل سوق داد (Harshe, 1999: 1104). از دهه ۲۰۰۰، سیاست «نگاه به شرق» با تمرکز بر گسترش همکاری‌های اقتصادی، ترانزیتی و استراتژیک با کشورهای آسیای جنوب شرقی و شرق آسیا، شکل عملی یافت. از جمله اقدامات مهم می‌توان به امضای توافق دفاعی و استراتژیک با روسیه در سال ۲۰۰۵، مشارکت در پروژه‌های انرژی منطقه‌ای و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های ترانزیتی مانند بندر چابهار ایران (۲۰۱۶) اشاره کرد که هند را در مسیر کاهش وابستگی به منابع غربی انرژی و ایجاد دسترسی به مسیرهای ترانزیتی کلیدی قرار داد (Aggarwal and Chakraborty, 2021). همچنین، عضویت فعال هند در سازمان

همکاری شانگهای و مشارکت در بریکس، فرصت‌هایی برای تقویت جایگاه ژئوپلیتیکی و اقتصادی هند را فراهم کرد. در چنین شرایطی، تعمیق همگرایی منطقه‌ای در آسیای جنوب شرقی و فرصت‌های اقتصادی نوظهور در شرق آسیا، به همراه نیاز به کاهش وابستگی به غرب، مسیر را برای تدوین و اجرای سیاست «نگاه به شرق» هموار کرد.

چالش‌های داخلی و منطقه‌ای هند در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۱: در آغاز دهه ۱۹۹۰، هند با مجموعه‌ای از چالش‌های امنیتی و اقتصادی در محیط داخلی و منطقه‌ای روبه‌رو بود. از یک‌سو، تنش با پاکستان شدت گرفت و اسلام‌آباد با حمایت از شبه‌نظامیان در جامو و کشمیر و تلاش برای بین‌المللی کردن بحران، فشار مضاعفی بر دهلی‌نو وارد کرد. در کنار آن، موجی از جنبش‌های قوم‌گرایانه و زیر ملی‌گرایانه در پاکستان، نپال، بوتان، بنگلادش و سریلانکا، ثبات منطقه‌ای را تهدید می‌کرد و بر امنیت مرزهای هند اثر منفی گذاشت (Nanda, 2003: 265-266). از سوی دیگر، اقتصاد هند در آستانه رکود قرار داشت و علی‌رغم اصلاحات محدود دهه ۱۹۸۰، سهم تجارت در تولید ناخالص ملی از ۴.۱۲ درصد در ۱۹۸۴-۱۹۸۵ به ۱۱ درصد در ۱۹۸۸-۱۹۸۹ کاهش یافت (Ministry of Finance, 1990).

در اوایل دهه ۱۹۹۰، بحران خلیج فارس با جهش قیمت نفت، فشار سنگینی بر اقتصاد هند وارد کرد. واردات انرژی که در ۱۹۶۵ تنها ۸ درصد ارزش صادرات کالایی را تشکیل می‌داد تا ۱۹۹۰ به حدود ۲۵ درصد رسید و صرفاً در سال ۱۹۹۰-۱۹۹۱، هزینه واردات نفت بر پایه روپیه ۲۱.۹ درصد افزایش یافت (Ministry of Finance, 1990). هم‌زمان، بی‌ثباتی سیاسی با تشکیل سه دولت پیاپی طی دو سال و نبود اکثریت حزبی در پارلمان، عملاً توان تصمیم‌گیری مؤثر را از دولت گرفت. ائتلاف شکننده «جاناتا دال»^۱ با حمایت احزاب ایدئولوژیک متضاد، به جای اصلاحات ساختاری، سیاست‌های عوام‌پسندانه را پیش گرفت که بحران اقتصادی را تشدید کرد. در چنین

فضایی، ترکیب فشارهای اقتصادی ناشی از وابستگی نفتی و آشفتگی سیاسی، هند را ناگزیر ساخت تا به دنبال گشودن افق‌های تازه در سیاست خارجی و اقتصادی، ازجمله چرخش به سمت شرق، باشد.

در پایان سال ۱۹۹۰، با پس‌گیری حمایت «حزب بهاراتیا جاناتا»^۱ از دولت جبهه ملی، این دولت فروپاشید. انشعاب در حزب اصلی ائتلاف، جاناتا دال، منجر به تشکیل حزب جدید «سوشالیت جاناتا»^۲ به رهبری «چاندرا شکار»^۳ شد. او با حمایت حزب کنگره، دولتی اقلیت را تشکیل داد که تنها ۵۸ کرسی از مجموع ۴۷۳ کرسی لوک‌سابها (مجلس سفلی) را در اختیار داشت (Bajpai, 1992: 208). این دولت شکننده صرفاً به دلیل عدم تمایل نمایندگان به برگزاری انتخابات زودهنگام باقی ماند و عملاً توانایی پیشبرد اصلاحات لازم برای مقابله با بحران اقتصادی را نداشت.

با روی کار آمدن دولت اقلیت «ناراشیما رائو»^۴ در ژوئن ۱۹۹۱، هند با بحرانی چندبعدی روبه‌رو شد: ذخایر ارزی رو به اتمام، بی‌ثباتی سیاسی، افزایش هزینه‌های غیرمولد (ازجمله رشد سهم هزینه‌های نظامی از ۱۵/۹٪ در ۱۹۸۰-۱۹۸۱ به نزدیک ۱۹٪ در ۱۹۹۰-۱۹۹۱) و سنگینی یارانه‌ها (Bajpai, 1992: 210). هم‌زمان، تهدیدهای امنیتی فراملی از منطقه شمال شرق هند تشدید شد؛ بخش ساگیانگ میانمار به پناهگاه شورشیان تبدیل گشت و «مثلث طلایی»^۵ آسیای جنوب شرقی به مرکز قاچاق مواد مخدر و تسلیحات بدل شد. این شرایط، ضرورت همکاری فعال با کشورهای آسیای جنوب شرقی برای مهار تهدیدات امنیتی و بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصادی منطقه را آشکار ساخت و زمینه فکری - راهبردی سیاست «نگاه به شرق» را فراهم کرد.

2. the Bharatiya Janata Party

3. Socialist Janata

4. Chandrashekhar

5. Narashima Rao

6. Golden Triangle

اصلاحات اقتصادی: با آغاز دهه ۱۹۹۰، نگرانی هند از حاشیه‌نشینی در روندهای روبه رشد منطقه‌گرایی و پویایی اقتصاد جهانی، لزوم تغییر رویکرد سیاست خارجی را پررنگ ساخت. در پاسخ به این ضرورت، دولت ناراسیما رائو در ۱۹۹۱ سیاست «نگاه به شرق» را آغاز کرد؛ رویکردی که هرچند عنوان آن نخستین بار در گزارش سالانه وزارت خارجه ۱۹۹۶ ذکر شد، اما هدف اصلی آن از نگاه آی. گجرال^۱، بسیج ظرفیت‌های داخلی و منطقه‌ای برای ایجاد هم‌افزایی با اقتصادهای در حال رشد شرق آسیا و ادغام فعال هند در معادلات آسیایی بود (Gujral, 1996). حرکت هند به‌سوی سیاست «نگاه به شرق» هم‌زمان با موجی از واقع‌گرایی اقتصادی در اوایل دهه ۱۹۹۰ شکل گرفت. بحران شدید تراز پرداخت‌ها، افت رقابت‌پذیری کالاهای هندی و نیاز فوری به سرمایه خارجی، دولت ناراسیما رائو را واداشت تا در ژوئن ۱۹۹۱ اصلاحات اقتصادی لیبرالی را آغاز کند. این برنامه با هدف آزادسازی تجارت، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ادغام اقتصاد هند در بازار جهانی، به‌طور رسمی الگوی سوسیالیستی پیشین حزب کنگره را کنار گذاشت و اقتصاد بازار را جایگزین آن ساخت. اصلاحات ۱۹۹۱ نه‌تنها مسیر توسعه اقتصادی هند را دگرگون کرد، بلکه نقطه عطفی در تغییر جهت‌گیری استراتژیک این کشور به شمار می‌آید.

در سال ۲۰۱۴، دولت نارندرا مودی با معرفی سیاست «عمل به شرق»^۲ رویکرد هند را به سمت تعامل فعال‌تر و پروژه محور با کشورهای آسیای جنوب شرقی و اقیانوس آرام سوق داد. این سیاست، علاوه بر تقویت روابط اقتصادی، بر همکاری‌های امنیتی، زیرساختی و فرهنگی نیز تأکید دارد و به‌ویژه در مقابله بانفوذ چین در منطقه نقش مهمی ایفا می‌کند (The Diplomat, 2014). در سال ۲۰۲۳، هند با اختصاص اعتبار ۱ میلیارد دلاری برای ارتقای زیرساخت‌های دیجیتال و توسعه همکاری‌های فناوری اطلاعات با کشورهای عضو آسه آن، به تقویت یکپارچگی اقتصادی و تسهیل تبادل

1. I. Gujral
2. Act East Policy

فرهنگی در منطقه پرداخته است. علاوه بر این، مشارکت فعال هند در پروژه‌های زیرساختی کلیدی، از جمله بزرگراه سه‌جانبه هند-میانمار-تایلند و پروژه حمل‌ونقل چندمنظوره کالادان که بندر کلکته را به بندر سیتوی در میانمار متصل می‌کند، نشان‌دهنده تلاش‌های هند برای افزایش اتصال منطقه‌ای و گسترش شبکه حمل‌ونقل و تجارت با همسایگان شرق و جنوب شرق آسیا است (ERIA, 2023; Southeast Asia Infrastructure, 2023).

تعمیق همگرایی منطقه‌ای در آسیای جنوب شرقی: توجه مجدد به همکاری منطقه‌ای با آسه آن مبتنی بر به رسمیت شناختن اهمیت استراتژیک و اقتصادی جنوب شرق آسیا برای منافع ملی هند بود. نخست‌وزیر ناراسیما رائو به‌عنوان بخشی از تلاش‌هایش برای ایجاد روابط نزدیک‌تر با کشورهای آسه آن، در سال ۱۹۹۳ به برخی از کشورهای جنوب شرق آسیا سفر کرد و در سخنرانی مشهور خود در مؤسسه مطالعات آسیای جنوب شرقی، سیاست جدید نگاه به شرق هند را بیان کرد. رائو در این سخنرانی چنین اظهار داشت:

... در آن زمان‌ها، جنگ سرد در اوج خود بود و بنابراین نیروهای بزرگ با احتیاط آمیخته با سوءظن نگریسته می‌شدند، اما اکنون خرسندیم که مشاهده می‌کنیم آسه آن می‌تواند از موقعیت قدرت در همان میز با ایالات متحده، روسیه، چین، ژاپن و ... صحبت کند. هند قبلاً گام‌هایی در جهت آزادسازی رژیم ارزی خود، گشودن اقتصاد به واردات و سرمایه‌گذاری بیشتر و آموزش شهروندانش درباره فواید مواجهه با دنیای خارج برداشته است. منطقه آسیا - اقیانوسیه مانند سکوی پرتابی برای ورود ما به بازار جهانی عمل خواهد کرد (Nanda 2003: 274).

از آغاز سیاست نگاه به شرق در سال ۱۹۹۱، روابط دوجانبه بین هند و آسه آن به سرعت پیشرفت کرد. روابط هند با آسه آن در مارس ۱۹۹۳ به یک مشارکت گفتگوی بخشی تبدیل شد که سه حوزه تجارت، سرمایه‌گذاری و گردشگری را در برمی‌گرفت.

مقامات هند و آسه آن در ۱۶-۱۷ مارس ۱۹۹۳ در دهلی نو گرد هم آمدند تا حوزه‌های خاص همکاری را در بخش‌های تعیین شده شناسایی کنند. به دلیل تلاش‌های پایدار، روابط هند - آسه آن در پنجمین اجلاس آسه آن در بانکوک در دسامبر ۱۹۹۵ به یک مشارکت گفتگوی کامل ارتقا یافت. این گام روابط بین آسه آن و هند را از سطح مقامات عالی به سطح وزارتی ارتقا داد و امکان شرکت هند را در کنفرانس‌های آسه آن فراهم کرد. در کنفرانس وزرا در جاکارتا در جولای ۱۹۹۶، وزرای آسه آن و هند چشم‌اندازی از سرنوشت مشترک و همکاری فشرده‌تر در کلیه زمینه‌ها را ترسیم کردند و حوزه‌های خاصی برای همکاری مانند زیرساخت، توسعه منابع انسانی، علم و فناوری و گردشگری و دیگر حوزه‌ها را شناسایی کردند. همکاری فزاینده نزدیک بین هند و آسه آن منجر به تقویت نه تنها روابط اقتصادی بلکه پیوندهای امنیتی نیز شد که در نهایت به پذیرش هند در مجمع منطقه‌ای آسه آن در ۱۹۹۶ انجامید. مجمع مذکور اصلی‌ترین مجمع همکاری امنیتی در منطقه آسیا و اقیانوسیه است که در آن مسائل امنیتی جهانی و منطقه‌ای و همچنین مسائل خلع سلاح و عدم اشاعه، مورد بحث قرار می‌گیرند. پذیرش هند در مجمع منطقه‌ای آسه آن نشانگر پذیرش نقش و جایگاه هند در منطقه آسیا - اقیانوسیه است.

در سپتامبر ۲۰۰۳، وزیر امور خارجه هند، «یاشوانت سینها»^۱ سیاست نگاه به شرق هند را به صورت خلاصه بیان کرد: «در گذشته، تعامل هند با بخش‌های بزرگی از آسیا، از جمله جنوب شرق و شرق آسیا، بر اساس مفهوم ایدئالیستی برادری آسیایی و بر اساس تجربیات مشترک استعمار و پیوندهای فرهنگی بود. امروز، الگوهای منطقه‌ای نه تنها توسط تاریخ و فرهنگ، بلکه به همان اندازه توسط تجارت، سرمایه‌گذاری و تولید تعیین می‌شود. این همان چیزی است که به سیاست «نگاه به شرق» ما انگیزه می‌دهد» (Sinha, 2003).

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی: فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تأثیرات عمیقی بر هند داشت. اتحاد جماهیر شوروی سابق مدت‌ها به‌عنوان یک شریک قابل‌اعتماد، تأمین‌کننده سلاح، نفت و برخی کمک‌های اقتصادی شناخته می‌شد. همچنین بازار مهمی برای کالاهای مصرفی هند بود. فروپاشی سیستم شوروی، هند را از این شریک تجاری ارزشمند محروم کرد، به‌طوری‌که منطقه تجارت روپیه تقریباً یک‌چهارم صادرات هند را تشکیل می‌داد. علاوه بر این، اتحاد جماهیر شوروی به‌طور مداوم از هند در رأی‌گیری‌های دیپلماتیک در سازمان ملل حمایت می‌کرد و به‌عنوان مدلی از برنامه‌ریزی متمرکز به شمار می‌رفت. نگرانی بزرگ دهلی‌نو از دست دادن حمایت دیپلماتیک شوروی در شورای امنیت سازمان ملل بود که هند را در معرض فشارهای بین‌المللی بر مسائلی حیاتی مانند خلع سلاح، عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و منازعه کشمیر قرار داد (Nag et al, 2021).

بنابراین، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی یک شکست بزرگ برای هند در زمینه‌های سیاسی، استراتژیک و اقتصادی به شمار می‌رفت. هم‌زمان، تجارت با کشورهای اروپای شرقی عمدتاً به دلیل پایان حکومت‌های کمونیستی و فروپاشی آن‌ها آسیب دید. در نتیجه تا اواسط سال ۱۹۹۱، ذخایر ارز خارجی هند به‌سختی برای پوشش دو هفته واردات کافی بود و هند مجبور شد از صندوق بین‌المللی پول کمک بگیرد. قراردادی بین دولت هند و صندوق بین‌المللی پول در ژانویه ۱۹۹۱ برای وام ۱/۸ میلیارد دلاری منعقد شد که بخشی از آن از مکانیسم تأمین مالی جبرانی (برای جبران افزایش واردات نفت) و بخشی هم به‌عنوان اعتبار اولیه جهت تسویه سریع بود (Joshi and Little, 1994: 66).

اختلال در سیستم نفتی خلیج فارس: بحران خلیج فارس در سال ۱۹۹۰ تأثیر عمیقی بر اقتصاد هند گذاشت؛ زیرا این کشور به شدت به کشورهای غرب آسیا برای نفت و تجارت وابسته بود. همچنین، این بحران با رکود اقتصادی و آشفتگی سیاسی در هند همراه بود. در بحران خلیج فارس، هند دچار کاهش ارسال ۲۰۵ میلیون دلاری ارز از

سوی هندیان شاغل در عراق و کویت شد؛ و مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار بدهی از عراق در آغاز بحران را از دست داد و حدود ۱۱۲ میلیون دلار در تجارت با عراق و کویت زیان کرد (Indian Express, 1990). اختلال در اقتصاد نفتی منطقه خلیج فارس در طول بحران کویت، ضرورت تنوع بخشیدن به منابع تأمین انرژی را برای هند روشن ساخت. این ضرورت ناشی از تمایل به کاهش وابستگی به تأمین‌کنندگان سنتی خود در خلیج فارس و اتحاد جماهیر شوروی سابق بود. در پی این هدف، هند بررسی منابع احتمالی جایگزین انرژی در کشورهایی مانند میانمار، برونئی، اندونزی و استرالیا در منطقه آسیا - پاسیفیک را آغاز کرد. به همین سبب، کاملاً منطقی بود که سیاست‌گذاران هندی به دنبال نقشی جدید در سطح بین‌المللی باشند و توجه خود را به سمت جنوب شرق آسیا که از نظر اقتصادی پویا بود، معطوف کنند و اهمیت آن در چشم‌انداز جهانی را به رسمیت بشناسند.

ساختارهای قدرت در شرق آسیا و آسه آن: ظهور «برهای آسیایی»^۱ و افزایش اهمیت اقتصادی آسه آن به عنوان بازیگران کلیدی در آسیا، انگیزه مضاعفی را برای سیاست‌گذاران هندی ایجاد کرد تا پتانسیل‌های همکاری اقتصادی در شرق را جستجو کنند. در عین حال، روندهای لیبرالیزه سازی، خصوصی‌سازی و جهانی‌سازی به قدری شتابان پیش می‌رفتند که هند ناگزیر بود این تغییرات را بپذیرد. همچنین مشخص بود که آرزوی هند برای دستیابی به عضویت دائمی در شورای امنیت سازمان ملل ممکن است بدون حمایت قوی از کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا تحقق نیابد. به همین دلیل، نیاز به تقویت روابط با این کشورها مورد توجه بیشتری قرار گرفت (Nanda, 2003).

تحولات سیاسی و استراتژیک بین‌المللی و منطقه‌ای در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، فضای مساعدی برای پیشرفت‌های مثبت در روابط هند با آسه آن ایجاد کرد. پایان جنگ سرد و فروپاشی موانع ایدئولوژیک هند را به اتخاذ رویکردی عملیاتی

ترغیب کرد. پس از جنگ سرد، دیدگاه استراتژیک هند به طور قابل توجهی از تأکید بر اصول اخلاقی به رویکرد واقع گرایانه‌ای تغییر پیدا کرد که بر دستیابی و اعمال قدرت اقتصادی و نظامی متمرکز بود. برنامه اصلاح اقتصادی دهلی نو روابط آن را با کشورهای متعدد دگرگون کرد و هند به طور فعال تمایل خود را برای ادغام کامل در بازار جهانی و ورود به تجارت جهانی نشان داد. هند به این نتیجه رسید که بهترین منافعهش ایجاب می‌کند که آغازگر همکاری‌ها باشد و از فرصت‌های موجود بهره‌برداری کند، به جای اینکه به طور منفعلانه منتظر اقداماتی از سوی کشورهای جنوب شرق آسیا باشد. به طور کلی، سیاست نگاه به شرق در ایران و هند واکنشی است به تحولات داخلی، منطقه‌ای و جهانی که ضرورت تنوع بخشی به روابط اقتصادی و سیاسی را برای این کشورها ایجاد کرد. جدول زیر، عوامل کلیدی مؤثر بر شکل گیری این سیاست را در هر دو کشور به صورت مقایسه‌ای نشان می‌دهد.

جدول ۲. عوامل مؤثر در شکل گیری سیاست نگاه به شرق در جمهوری اسلامی ایران و هند

عوامل مؤثر	جمهوری اسلامی ایران	هند
عوامل داخلی	بحران اقتصادی ناشی از تحریم‌ها و کاهش درآمد نفتی، نیاز به تنوع بخشی به اقتصاد و کاهش وابستگی به نفت، فشارهای داخلی جهت بهبود توسعه اقتصادی و فناوری.	بحران شدید اقتصادی با کسری تراز پرداخت‌ها و کاهش ذخایر ارزی، بی ثباتی سیاسی و سقوط چند دولت متوالی در دهه ۹۰، اصلاحات اقتصادی لیبرالی در سال ۱۹۹۱ و گشایش بازار به اقتصاد جهانی.
عوامل منطقه‌ای	بحران‌ها و ناامنی‌های منطقه‌ای (جنگ‌های منطقه‌ای، تحریم‌ها)، نیاز به همکاری با کشورهای همسایه برای امنیت و توسعه اقتصادی، فشار و رقابت منطقه‌ای با قدرت‌های رقیب (عربستان، ترکیه و...)	تنش‌های امنیتی در شمال شرق و کشمیر، رشد گروه‌های شورشی، شد اقتصادی و اهمیت استراتژیک کشورهای جنوب شرق آسیا و آسه آن، ضرورت تعامل با بازیگران منطقه‌ای برای مقابله با تهدیدات امنیتی.

عوامل مؤثر	جمهوری اسلامی ایران	هند
عوامل بین‌المللی	فشار تحریم‌های بین‌المللی و محدودیت‌های اقتصادی، نیاز به مقابله با فشارهای غرب و ایالات متحده، گسترش روند جهانی شدن و نیاز به ارتباط با بازارهای شرق آسیا.	فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و از دست دادن شریک استراتژیک، بحران نفتی خلیج فارس و وابستگی شدید به نفت خاورمیانه، ضرورت بازسازی روابط با کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا برای تجارت و امنیت.
ملاحظات اقتصادی	کاهش درآمد نفت و فشار بر بودجه دولتی، نیاز به جذب سرمایه‌گذاری خارجی و فناوری خارجی.	کاهش رقابت‌پذیری کالاهای صادراتی و ضرورت جذب سرمایه‌گذاری خارجی، اصلاحات اقتصادی برای ادغام اقتصاد در بازار جهانی.
ملاحظات امنیتی	تهدیدات نظامی و امنیتی منطقه‌ای و تحریم‌های نظامی، تلاش برای ایجاد تعادل امنیتی با کشورهای همسایه و شرق آسیا.	تهدیدات ناشی از گروه‌های شورشی و بازار قاچاق مواد مخدر و سلاح، ضرورت همکاری امنیتی با آسه آن و کشورهای شرق آسیا.
اهداف کلان سیاست نگاه به شرق	تنوع‌بخشی در روابط اقتصادی و سیاسی، کاهش فشار تحریم‌ها، استفاده از فرصت‌های اقتصادی و فناوری کشورهای شرق آسیا، مقابله با انزوای بین‌المللی و بهره‌گیری از بازارهای منطقه‌ای.	تقویت حضور هند در اقتصاد و سیاست منطقه‌ای و جهانی، دستیابی به جایگاه سیاسی قوی‌تر در سازمان‌های بین‌المللی، بهبود امنیت ملی و تنوع‌بخشی به منابع انرژی.

(منبع: نگارندگان)

فرجام سخن

پژوهش حاضر با تکیه بر چارچوب نظری «منطقه‌گرایی جدید»، سیاست نگاه به شرق در جمهوری اسلامی ایران و هند را به‌عنوان راهکاری راهبردی و سازمان‌یافته برای مواجهه با تحولات جهانی و منطقه‌ای تحلیل می‌کند. این سیاست در هر دو کشور، نه واکنشی گذرا، بلکه پاسخی هدفمند به چالش‌های داخلی و فرصت‌های بین‌المللی بوده است. جمهوری اسلامی ایران و هند هر دو به دلایل مشترکی همچون نارضایتی از رویکردهای غرب، مشکلات اقتصادی و امنیتی داخلی و تغییرات ساختاری در نظام قدرت جهانی به سمت تعمیق همکاری با کشورهای شرقی گرایش یافته‌اند. با ظهور قدرت‌های نوظهور آسیایی به‌ویژه چین، هر دو کشور به دنبال بهره‌برداری از فرصت‌های جدید برای تقویت جایگاه خود در نظام بین‌الملل هستند. با این حال، تفاوت‌های مهمی در اجرای این سیاست مشاهده می‌شود؛ ایران عمدتاً بر همکاری‌های دو و چندجانبه با چین و روسیه متمرکز است، درحالی‌که هند به دلیل موقعیت جغرافیایی، تنوع اقتصادی و پیچیدگی‌های منطقه‌ای، روابط گسترده‌تر و متنوع‌تری را با کشورهای آسیای شرقی و جنوب شرقی دنبال می‌کند. عوامل داخلی، ازجمله سیاست‌های توسعه‌ای و امنیتی در ایران و چالش‌های قومی، اقتصادی و سیاسی در هند، نقش کلیدی در شکل‌دهی و جهت‌دهی به سیاست نگاه به شرق ایفا کرده‌اند. با توجه به روندهای فعلی، به نظر می‌رسد این سیاست همچنان به‌عنوان جزء اصلی راهبردهای سیاست خارجی دو کشور باقی خواهد ماند. با این وجود، سیاست نگاه به شرق در هر دو کشور با چالش‌ها و محدودیت‌های قابل توجهی مواجه است:

ایران:

- **تمرکز محدود و تک‌بعدی:** سیاست ایران عمدتاً بر روابط راهبردی با چین و روسیه متمرکز است و تنوع‌بخشی در روابط با سایر کشورهای آسیایی محدود

است. این محدودیت، انعطاف‌پذیری ایران در بهره‌برداری از فرصت‌های منطقه‌ای و جهانی را کاهش داده است.

- **وابستگی اقتصادی و فشار تحریم‌ها:** محدودیت‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، اجرای پروژه‌های مشترک و توسعه همکاری‌ها را با دشواری مواجه کرده و اثرگذاری سیاست مذکور را محدود می‌کند.
- **ضعف سازوکارهای ارزیابی و پایش:** نبود شاخص‌های عملکردی و نظام بازخورد باعث شده سیاست نگاه به شرق نتواند به‌صورت پویا اصلاح و بهینه شود.
- **عدم همسویی کامل با اهداف داخلی:** گاهی اهداف سیاست خارجی با برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی همسو نیست که بهره‌برداری بهینه از فرصت‌های منطقه‌ای را کاهش می‌دهد.

هند:

- **پراکندگی و پیچیدگی سیاست‌ها:** تنوع روابط با کشورهای شرق، بدون اولویت‌بندی دقیق، منابع و انرژی دیپلماتیک را پراکنده کرده و تمرکز بر اهداف راهبردی را کاهش می‌دهد.
- **چالش‌های امنیتی و منطقه‌ای:** اختلافات مرزی، مسائل قومی و رقابت با قدرت‌های منطقه‌ای باعث محدودیت در اجرای برخی پروژه‌ها و کاهش اثرگذاری این سیاست شده است.
- **عدم هماهنگی کامل بین سیاست‌های اقتصادی و دیپلماسی:** ضعف هماهنگی بین برنامه‌های اقتصادی، تجاری و سیاست خارجی، فرصت‌های بالقوه همکاری را محدود کرده و کارآمدی سیاست نگاه به شرق را کاهش داده است.
- **فشارهای ژئوپلیتیک و جهانی:** رقابت‌های منطقه‌ای و تغییرات در موازنه قدرت جهانی، انعطاف‌پذیری هند در اولویت‌بندی سیاست‌های نگاه به شرق را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

برای افزایش اثرگذاری و پایداری سیاست نگاه به شرق، ضروری است که هر دو کشور به توسعه روابط راهبردی و متنوع با کشورهای آسیایی فراتر از همکاری‌های سنتی بپردازند و این روابط را با اهداف داخلی خود از جمله توسعه اقتصادی، امنیت ملی و پیشرفت علمی و فناوریانه همسو سازند. ایجاد سازوکارهای پایش و ارزیابی مستمر به تصمیم‌گیران این امکان را می‌دهد که سیاست‌ها را به‌صورت پویا اصلاح کنند و واکنش سریع به تغییرات منطقه‌ای و جهانی داشته باشند. علاوه بر این، تقویت همکاری‌های علمی، فناوریانه و فرهنگی می‌تواند به ایجاد اعتماد بلندمدت و همگرایی راهبردی کمک کند. مدیریت ریسک‌های ژئوپلیتیک و منطقه‌ای از طریق برنامه‌ریزی دقیق و تحلیل تهدیدها، انعطاف‌پذیری سیاست‌ها را افزایش می‌دهد و از بروز ناکامی‌های استراتژیک جلوگیری می‌کند. نهایتاً، یادگیری از تجارب موفق کشورهای شرق و اقتباس از راهبردهای اثربخش آن‌ها می‌تواند مسیر بهینه‌سازی سیاست نگاه به شرق را هموار کند و کارآمدی آن را در سطح منطقه‌ای و جهانی تقویت کند.

References

- احمدی‌نژاد، حمید، شاهین، مهدی و ذوالفقاری، مهدی (۱۴۰۳). نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران و عربستان؛ از استراتژی اضطرار تا تاکتیک توازن، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۲۱(۳)، ۷-۲۹.
- آدمی، علی (۱۳۸۹). راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، ۲(۷).
- پاک آیین، محسن (۱۴۰۳). نگاه به شرق از تبیین تا راهبرد (با تأکید بر اندیشه امامین انقلاب اسلامی)، *ره‌نمون/انقلاب/اسلامی*، ۱(۴)، ۱۰۱-۱۲۲.
- رومی، فرشاد (۱۴۰۲). تحول در اولویت‌های راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: از راهبرد «نه شرقی، نه غربی» تا «نگاه به شرق»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۵۳، شماره ۱.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۴). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف*، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- شریعتی‌نیا، محسن، توحیدی، زهرا (۱۳۹۳). *همگرایی آسیایی؛ فرصت‌ها و تهدیدها برای ایران*، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه.

- صادقی، سید شمس‌الدین، لطفی، کامران (۱۳۹۴). سیاست نگاه به شرق و تحلیل امکان یا امتناع ائتلاف راهبردی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و چین، *راهبرد/اقتصادی* ۴ (۱۲).
- صفری آقبلاغی، عسگر (۱۴۰۳). دیگری سازی در سیاست «نگاه به شرق» جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۱۷ (۱)، ۲۵۵-۲۸۱.
- کولایی، الهه، سازمند، بهاره و ریحانه رضایی (۱۴۰۲). *مقدمه‌ای بر مطالعات منطقه‌ای*، انتشارات دانشگاه تهران.
- یحوی همدانی، حمید، مرادی، علی (۱۴۰۳). تحلیل لایه‌ای علل رویکرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۷ (۶۸)، ۲۰۳-۲۲۱.
- یوسفی، محمدقلی (۱۳۸۴). موانع توسعه اقتصادی ایران، و *بیژنامه جامعه و اقتصاد*، شماره ۶.
- Aggarwal, S., Chakraborty, D., & Bhattacharyya, R. (2021). Determinants of Domestic Value Added in Exports: Empirical Evidence from India's Manufacturing Sectors. *Global Business Review*.
<https://doi.org/10.1177/09721509211050138>.
- Bajpai, K. (1992). India in 1991: New Beginnings, *Asian Survey*, 32(2).
- Breuning, M. (2007). *Foreign Policy Analysis: a Comparative introduction*, New York: Macmillan.
- Drishti IAS. (5 August 2025). Enhancing Northeast Connectivity for Act East Policy. Drishti IAS Daily News & Analysis.
- ERIA. (2023). *Pilot study on digital public infrastructure collaboration: India-ASEAN cooperation*. Economic Research Institute for ASEAN and East Asia. Retrieved from <https://www.eria.org/research/india-asean-cooperation--pilot-study-on-digital-public-infrastructure-collaboration>
- Ganguly, R. (2024). Security Issues in South Asia", *Journal of Asian Security and International Affairs*, publication at: <https://www.researchgate.net/publication/284166425>
- Gujral, I.K. (1996). Statement By His Excellency Mr. I.K. Gujral: Minister of External Affairs and Water Resources of India, Singapore, accessed from <http://www.aseansec.org/4756.htm> (accessed on 10 July 2009).
- Harshe, R. (1999). South Asian Regional Co-operation: Problems and Prospects. *Economic and Political Weekly*, 34 (19), 1100-1105.
- Hatch, W. (2003). Japanese Production Networks in Asia: Extending the Status Quo. In William Keller and Richard Samuels, eds., *Crisis and Innovation in Asia's Technology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hettne, B., Inotai, A., Sunkel, O. (1998). Globalism and the New Regionalism, *International Political Economy Series*, Vol 1.

- Hettne, B., Soderbaum, F. (1998). The New Regionalism Approach, Pre-publication manuscript, Politeia, 17(3).
- Indian Express (1990). Fallout of Gulf Crisis: Indian Exports Suffer, Indian Express, 27 September, p. 4.
- Joshi, V. and Little, I.M.D. (1994). *India: Macroeconomics and Political Economy*, 1964–1991. Washington, DC: World Bank.
- Jyoti, S. (2024). India's look east policy: Its evolution, challenges, and prospects, MPRA Paper, No. 12
- Kaleji, V. (2023). Iran and the Role of Transit Corridors in the South Caucasus in the Context of the War against Ukraine. *Caucasus Analytical Digest*, 132, 14-20. <https://doi.org/10.3929/ethz-b-000613995>
- Lakhan, M. (2012). India's Look East Policy: Its Origin and Development, *Indian Foreign Affairs Journal*, 7(1), 75–85.
- Ministry of Finance (1990). Economic Survey 1989–90, New Delhi: Government of India, Ministry of Finance, Economic Division, accessed from <http://indiabudget.nic.in/es1989-90/0%20Economic%20Survey%201989-90%20Index.pdf> (accessed on 7 September 2008)
- Munro, R. H. (1993). The Loser: India in the Nineties", *The National Interest* 33, No. 32
- Nag, B., Chakraborty, D., Aggarwal, S. (2021). India's Act East Policy: RCEP Negotiations and Beyond, Working Paper, Indian Institute of Foreign Trade, Delhi, No. EC-21-01
- Naidu, G.V.C. (2010). India and Southeast Asia, *International Studies*, 47(2–4), pp. 285–304.
- Naidu, G. V. C. (2010). India and Southeast Asia: An Analysis of the Look East Policy. *South Asian Survey*, 17(2), 285–298.
- Nanda, P. (2003). *Rediscovering Asia: Evolution of India's Look-East Policy*, New Delhi: Lancer.
- Perry World House. (2023). *Iran's "Look East" Policy: Ideals vs. Harsh Realities*. Perry World House.
- Reuters. (2025, June 24). What are China's economic interests in Iran? <https://www.reuters.com/world/middle-east/what-are-chinas-economic-interests-iran-2025-06-24/>
- Saran, S. (2005). *India's Look East Policy: Its Evolution and Progress*. Indian Council of World Affairs.
- Saraswat, Deepika. (2018, October). Iran's Look to the East Policy: Reconciling Foreign Policy Independence and Economic Integration, *Indian Council of World Affairs* (icwa.in). Available at: https://www.icwa.in/show_content.php?lang=1&level=3&ls_id=4823&lid=2826 (Accessed 7 April 2022).

- Singh, M. (2004). PM's address at the inauguration of the New Capital Complex of Assam, 21 November, accessed from <http://pmindia.nic.in/speech-details>.
- Sinha, Y. (2003). Resurgent India in Asia: Speech by External Affairs Minister Shri Yashwant Sinha at Harvard University, 29 September, accessed from <http://mea.gov.in/Speeches-Statements>.
- Sreedhar (1994). Security Situation in Southern Asia. *Strategic Analysis*, 16 (11), 1431-1442.
- Srinivasan, T. N. (2008). India's Trade Policies and Economic Growth, *Journal of Asian Economics*, 19(5-6), 439-453.
- The Diplomat. (2014, November 17). Modi Unveils India's 'Act East Policy' to ASEAN in Myanmar. Retrieved from <https://thediplomat.com/2014/11/modi-unveils-indias-act-east-policy-to-asean-in-myanmar/>